

روشنایی مرمت و معماری ایرانی و اسلامی

فصلنامه پژوهش‌های مرمت و معماری ایرانی و اسلامی

Journal of Iranian and Islamic Architecture and Restoration Research

سال پنجم، شماره دوازدهم، بهار ۱۴۰۱

۹ | تأثیر نوگرایی بر معماری جداره‌های خیابان‌های شهر تهران در دوره قاجار
(نمونه موردی خیابان لاله‌زار)
مرتضی نامدار، فاطمه ابراهیم‌زاده

۱۰ | تبیین مفهوم مکان در الگوی بازارهای سنتی
بهروز اقبالی درخشان، کاظم سنگاری، سمیه اسیدواری

۱۹ | توسعه پایدار در ارتباط با انسان و محیط زیست در راستای حفاظت از منابع
سعیده قیسی، آرام فرشیاغ آذریان

۳۹ | بررسی نمادها، نشانه‌ها و هویت اسلامی در معماری و شهرسازی ایران
حسین زه نابی، محمد جواد قربانی فرد، محمد علی نوائی



سروش های مرمت و معماری ایرانی و اسلامی

فصلنامه پژوهش های مرمت و معماری ایرانی و اسلامی
Journal of Iranian and Islamic Architecture and Restoration Research

سال پنجم، شماره دوازدهم، بهار ۱۴۰۱

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: دکتر نوید جهدی

سرمدیر: دکتر فاطمه علیمیرزایی

مدیر داخلی: دکتر میلاد فتحی

اعضای شورای سیاستگذاری فصلنامه:

نوید جهدی، میلاد فتحی، مرضیه صمدی، نیما جهدی، منیژه ملایی،
فاطمه علیمیرزایی.

اعضای شورای علمی فصلنامه:

شبیم اکبری نامدار (دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز)، تیلان صغرزاده منصوری
(دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز)، شوکا خوشبخت بهرمانی (دانشگاه آزاد
اسلامی واحد تهران مرکز)، مزین دهباشی شریف (دانشگاه آزاد اسلامی واحد
تهران مرکز)، داود رضائی (دانشگاه زنجان)، رضا بایرام زاده (دانشگاه ارومیه)،
روح الله رحیمی (دانشگاه مازندران)، سیدعباس رجائی (دانشگاه تهران)،
مصطفی قلی پورگشنیانی (دانشگاه مازندران)، مهسا فرامرزی (دانشگاه
آزاد اسلامی واحد تبریز)، وحید قبادیان (دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران
مرکز)، ناصر ثبات ثانی (دانشگاه ارومیه)، حبیب شاه حسینی (دانشگاه آزاد
اسلامی واحد تبریز)، سولماز امیرراشد (دانشگاه محقق اردبیلی)، محمد
علی آبادی (دانشگاه شیراز)، رحیم هاشم پور (دانشگاه بین المللی امام
خمینی)، سجاد اکبری (دانشگاه ارومیه)، شروین میرشاهزاده (دانشگاه آزاد
اسلامی واحد تهران مرکز)

نویسندگان این شماره:

مرتضی نامدار، فاطمه ابراهیم زاده، بهروز اقبالی درخشان، کاظم مندگاری،
سمیه امیدواری، سعیده فیضی، آرام فرشباغ آذریان، حسین زه تابچی،
محمد جواد قربانی فرد، محمد علی نوائی

نشانی: کرج، آزادگان، ابتدای بلوار مطهری، کوچه شهید سبحانی، پلاک ۴۸، واحد ۴
تلفن: ۰۲۱۳۳۲۰۲۴۸۷
فکس: ۰۲۱۴۳۸۵۷۱۲۴

maremat-mag.ir

انتشارات هنر و علوم دانشگاهی
تهران، افسریه، ۱۵ متری اول، کوچه ۲۸، پلاک ۲۹۳
تلفن: ۰۲۱۳۳۸۴۰۷۹۲

فهرست مطالب:

- ۱ | تأثیر نوگرایی بر معماری جداره‌های خیابان‌های شهر تهران در دوره قاجار
(نمونه موردی خیابان لاله زار)
مرتضی نامدار، فاطمه ابراهیم‌زاده
- ۱۰ | تبیین مفهوم مکان در الگوی بازارهای سنتی
بهروز اقبالی درخشان، کاظم مندگاری، سمیه امیدواری
- ۱۹ | توسعه پایدار در ارتباط با انسان و محیط زیست در راستای حفاظت از منابع
سعیده فیضی، آرام فرشباغ آذریان
- ۳۹ | بررسی نمادها، نشانه‌ها و هویت اسلامی در معماری و شهرسازی ایران
حسین زه تابچی، محمد جواد قربانی فرد، محمد علی نوائی

سخن سردبیر



ایجاد توسعه پایدار در ارتباط با منظر شهر تاریخی، نیاز به استراتژی‌های دارد که بتواند با حفاظت ادغام شوند. همان‌طور که در توصیه اخیر یونسکو در مورد منظر شهری تاریخی تصویب شده در سال ۲۰۱۱ نیز تأیید شده است. در کنار سه رکن اصلی توسعه پایدار، ابعاد زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی، فرهنگ به عنوان چهارمین رکن توسعه پایدار در اجلاس زمین ژوهانسبورگ در سال ۲۰۰۲ معرفی شد و در اجلاس جهانی رهبران محلی و منطقه‌ای در سال ۲۰۱۰ بیشتر به رسمیت شناخته شد. بخشی از اهداف مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۲۰۱۵ نیز به ویژه با هدف "تقویت تلاش‌ها برای حفاظت از فرهنگ و فرهنگ جهانی" معرفی شده است. مجموع این توصیه‌ها و اسناد نشان می‌دهد که جامعه بین‌المللی در تلاش برای یافتن رویکردی جامع است تا حفاظت و توسعه شهری را در تعادل با ملاحظات پایدار اجتماعی، زیست‌محیطی، اقتصادی و فرهنگی ایجاد کند.

امروزه برنامه‌ریزی پایدار و حفاظت از میراث اغلب حوزه‌های کاملاً متفاوتی را پوشش می‌دهند. به گونه‌ای که با همگرایی سیاست‌ها و ابزارهای گوناگون به دنبال دستیابی به یک رویکرد یکپارچه هستند که حفاظت از میراث و توسعه پایدار شهری را بهم مرتبط سازد. این تفاوت حوزه‌ها به دلیل تضادهایی است که ممکن است بین هدف حفاظت و هدف پایداری وجود داشته باشد.

در این میان لازم است بر مسئولیت حوزه حفاظت تأکید شود که شاید کار خود را به گونه‌ای ارائه نکرده است که بتواند این حوزه را قویاً به مسائل پایداری و کیفیت زندگی مرتبط سازد. متخصصان حفاظت بیشتر تمایل به مباحثات درون گروهی دارند و به اندازه کافی در گفتگو با کسانی که نگرانی‌های مشترکی در این موضوع دارند، اما دیدگاه‌ها و رشته‌هایشان متفاوت است، ندارند.

از آنجایی که توسعه پایدار به عنوان تعادل بین ابعاد مختلف در نظر گرفته می‌شود، یک رویکرد چندرشته‌ای برای پرداختن به این موضوع ضروری به نظر می‌رسد. به همین دلیل، ضروری است که میراث به طور خاص، سهم قدرتمندی را در استراتژی‌های معطوف به پایداری داشته باشد.

در این چارچوب و با توجه به تلاش برای یکپارچه‌سازی و هماهنگ‌سازی برنامه‌ریزی پایدار و حفاظت از میراث و نیز به منظور تحریک تبادل دانش و به اشتراک گذاشتن تجربیات، ما نیز بر خود وظیفه می‌دانیم با نشر نتایج پژوهش‌های ارزشمند شما در زمینه‌های مختلف حفاظت و معماری، نقشی کوچک در مسیر اعتلای فرهنگ و توسعه پایدار کشورمان داشته باشیم. از این‌رو از کلیه علاقمندانی که در این حوزه پژوهش می‌کنند، دعوت می‌نماییم در به اشتراک گذاشتن نتایج پژوهش‌هایشان، ما را سهیم کنند. بدین وسیله ضمن انتشار مقالات تخصصی حاضر، از کلیه اندیشمندان و متخصصان عزیز در حرکت رو به رشد و تعالی نشریه کمک می‌طلبم. امید است با اقبال اهل علم به محتویات علمی مندرج در این نشریه، شاهد رشد کمی و کیفی روزافزون آن باشیم.

تأثیر نوگرایی بر معماری جداره‌های خیابان‌های
شهر تهران در دوره قاجار
(نمونه موردی خیابان لاله زار)
مرتضی نامدار، فاطمه ابراهیم زاده

صص ۹-۱



تأثیر نوگرایی بر معماری جداره‌های خیابان‌های شهر تهران در دوره قاجار (نمونه موردی خیابان لاله زار)

مرتضی نامدار^{۱*}، فاطمه ابراهیم زاده^۲

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد بین الملل آیت الله آملی

۲- عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بین الملل آیت الله آملی

arc.namdar@yahoo.com

چکیده

در دوره قاجار معماری به تبع نوگرایی چهره‌ای برون‌ی می‌یابد و خیابان در مفهوم جدید خویش لبه‌های خود را برای جای دهی عناصر خدماتی برمی‌گزیند. این معماری که در تعامل با خیابان و با داشتن توجه به نمای رو به خیابان شکل گرفته است. به تقلید از معماری اروپا و با استقرار عناصر در لبه‌های خیابان‌های جدید الاحداث، نماهایی شکل گرفتند که علی‌رغم غیربومی و نوظهور بودن، تقارن و هارمونی مناسبی داشتند و همین امر نوعی وحدت و یکپارچگی به نمای خیابان می‌بخشید. بدنه میدان توپخانه و خیابان‌های لاله زار و باب همایون نمونه‌های مناسبی در این زمینه هستند. این نوشتار، از طریق روش توصیفی و تحلیل محتوایی مرور متون و استفاده از اسناد تصویری، به این نتیجه رسیده است که با استقرار عناصر در لبه‌های خیابان‌های جدید الاحداث، نماهایی شکل گرفتند که علی‌رغم غیربومی و نوظهور بودن تقارن و هارمونی مناسبی داشتند و همین امر نوعی وحدت و یکپارچگی به نمای خیابان بخشیده است.

کلمات کلیدی: قاجار، نوگرایی، جداره‌های شهری، لاله زار

تأثیر نوگرایی بر معماری جداره‌های خیابان‌های
شهر تهران در دوره قاجار
(نمونه موردی خیابان لاله‌زار)
مرتضی نامدار، فاطمه ابراهیم زاده

صص ۱-۹

۱- مقدمه

روند تحولات معماری معاصر ایران مبین گذار از درون گرایی به برون گرایی، خصوصی به عمومی، درون زایی به برون زایی و تمرکز به تشتت است. این دوره که از اواخر دوره حکومت قاجاریه و به ویژه پس از سفرهای ناصرالدین شاه به فرنگ به این سو قابل بررسی است، ریشه‌های خود را از مکتب اصفهان و عناصر معماری و شهرسازی آن می‌گیرد و با تلفیق عناصر و مفاهیم وارداتی از فرنگ با آن، نوعی معماری التقاطی با تکیه بر مفاهیم درونی پدید می‌آورد که سبک تهران‌اش می‌نامند. در دوره قاجار معماری رسمی به تبع تجدد طلبی چهره‌ای برونی می‌یابد و خیابان در مفهوم جدید خویش لبه‌های خود را برای جای دهی عناصر خدماتی بر می‌گزیند. پدیده‌ای که در ایران به آن معماری خیابانی اطلاق می‌گردد، معماری‌ای است که در تعامل با خیابان و با داشتن توجه به نمای روبه خیابان شکل گرفته است. این پدیده برای نخستین بار در محور چهارباغ اصفهان ظاهر شد اما تنها در دوره قاجار به طور سیستماتیک شکل گرفت. بدین ترتیب در حالی که خیابان در مکتب اصفهان عملکرد تفرجی دارد اما در سبک تهران به عنوان یک فضای شهری با هویت و زنده خود را مطرح می‌کند. لذا در معماری که تا این زمان اساساً درون گرا بوده و خانه‌های مسکونی آن برای ایجاد ارتباط با بیرون متکی بر حیاط مرکزی بودند و کمتر به نمای بیرونی روبه معبر توجه می‌نمودند، تدریجاً به تقلید از معماری اروپا و با استقرار عناصر در لبه‌های خیابان‌های جدید الاحداث، نمایی شکل گرفتند که علی‌رغم غیربومی و نوظهور بودن تقارن و هارمونی مناسبی داشتند و همین امر نوعی وحدت و یکپارچگی به نمای خیابان می‌بخشید. بدنه میدان توپخانه و خیابان‌های لاله‌زار و باب همایون نمونه‌های مناسبی در این زمینه هستند.

۲- خیابان

آنچه از نام خیابان در قدم اول به یاد هر کس می‌آید همان نقش بارز تردد و جابجایی یا یک راه عبوری است. در حالی که خیابان به عنوان یکی از عناصر مهم شکل‌دهنده فرم اصلی شهر، نماد فرهنگی و اجتماعی و برقرارکننده ارتباط فضایی و اتصال فعالیت‌های شهری بوده و همواره مورد توجه شهرسازان و برنامه ریزان شهری قرار داشته است. خیابان‌های شهری تجلی گاه حیات مدنی شهر و محل رخداد وقایع و فعالیت‌های اجتماعی شهروندان در زندگی و حیات شهری می‌باشد. از این رو طراحی درست و گسترش آنها باعث غنی‌تر شدن زندگی اجتماعی و فرهنگی می‌شود. بدین ترتیب خیابان‌ها نقش مهمی در ایجاد شبکه هم پیوند فضاهای باز و عمومی شهر ایفا می‌نمایند. چنان که جان لنگ اشاره می‌کند "کیفیتی که از شهر برداشت می‌شود، بیش از هر چیزی بستگی به کیفیت خیابان‌های آن دارد (لنگ، ۱۳۸۶، ۱۳۰)

۳- جداره‌ها و نمای ساختمان‌های خیابان‌ها

فضاهای شهری به طور معمول توسط تعدادی توده ساختمانی محدود تعریف شده‌اند که دارای حجم و سطوح قابل رؤیت از فضای عمومی می‌باشد. بدنه‌ها یک سطح بسته یا احجامی از بناها می‌باشند. هر حجم به نوبه خود متشکل از سطوح مختلف است. این سطوح از بنا را معماران نما می‌نامند. اما در طراحی شهری کلیه سطوح یا احجام تشکیل‌دهنده محدوده فضا، به عنوان بدنه‌های شهری دیده می‌شوند. هر بدنه از فضای شهری، متشکل از چندین نما می‌باشد. بدنه‌ها از طرفی محدود به زمین و آسمان و از طرفی محدود به ساختمان، یا معابر مجاور می‌باشند (پاکزاد، جهان‌شاه، ۱۳۸۴).

تأثیر نوگرایی بر معماری جداره‌های خیابان‌های
شهر تهران در دوره قاجار
(نمونه موردی خیابان لاله‌زار)
مرتضی نامدار، فاطمه ابراهیم زاده

صص ۹-۱

جداره‌ی خیابان که در دوران‌های مختلف شکل گرفته در واقع حاوی ارزش‌های فرهنگی و محیطی جامعه است محسوب می‌شود. و عامل بسیار مهم و تأثیرگذار بر خیابان و خوانایی و هویت آن به شمار می‌آید و در تعریف (وضوح و خوانایی) خیابان نقش بسزایی ایفا می‌کند.

۴- معماری دوره قاجار

یکی از عواملی که قبل از دوره ی قاجار در ایران وجود نداشته و از دوران قاجار به بعد در معماری بناهای ایران دیده می‌شود، معماری خیابانی است. منظور از معماری خیابانی، احداث خانه‌ها و مغازه‌ها در اطراف خیابان است که از دوره ی قاجار وارد معماری ایران گردیده است، و این بدین دلیل بود که معماری دوره ی قاجار مصادف بود با ورود اتومبیل به ایران. خیابان‌هایی که در این وره جنبه ی عملکردی داشته‌اند عبارتند از بدنه‌هایی به ارتفاع ۲ تا ۳ طبقه که روی کرده به سمت خیابان‌اند، ردیف مغازه‌ها در طبقه ی همکف و ساختمان‌های مسکونی در طبقات بالا، حضور ویتترین مغازه‌ها و تابلوی تبلیغاتی آنها، بالکن‌ها و پنجره‌های پیش‌آمده، قوس‌هایی که به صورت طاق نما در سرتا سر طول خیابان دیده می‌شوند، پیاده‌روها، جوی‌های کوچک و یک ردیف درخت و باغچه در حاشیه ی خیابان‌ها و در آخر حضور بعضی از عملکردهای عمده‌تر در جداره ی آنها با عقب نشینی و جلوآمدگی خود باعث شکل‌گیری نوعی از معماری مرسوم به معماری خیابانی شد (خسروی، ۱۳۷۷، ۱۳۴). بدین ترتیب خانه‌ها به صورت خطی در کنار هم و در امتداد لبه ی خیابان ساخته شدند و نور بسیاری از این‌گونه ساختمان‌ها از خیابان تأمین می‌شد و تقریباً معماری خانه‌های قدیمی به خصوص شهرهای بزرگ از حالت درون‌گرایی به برون‌گرایی تمایل پیدا کرد. خیابان‌ها و بلوارها در دوره ی قاجار وام‌گرفته از سبک معماری اروپایی (فرانسوی) است؛ یکی از عناصری که خیابان به همراه خود آورد میدان است اما نه میدانی به سبک و شیوه ی معماری دوره ی صفویه که در میدان نقش جهان اصفهان دیده می‌شود، بلکه سوای آن و با تغییر و تحولات عمده در آن از جمله ی این تغییر و تحولات، به جای عناصری مانند مسجد، بازار، کاخ حکومتی و مدرسه در میدان دوره ی صفویه، تلگراف خانه، پست خانه، بانک و عمارت نظمی در میدان دوره ی قاجار دیده می‌شود (خسروی، ۱۳۷۷، ۱۳۴).

عمده‌ترین عوامل شکل‌دهنده ی معماری قاجار، عواملی است که از کشور های غربی و روسیه گرفته شده است. این عوامل شامل موارد زیر می‌باشد:

(۱) آمد و شد هیأت حاکمه به اروپا با حضور کنسولگریهای ایران در کشورهای اروپایی و کشورهای نظیر ترکیه و مصر و همچنین سفرهای ناصرالدین شاه به فرنگ که باعث ترغیب و توسعه ی شهر بر اساس اقدامات شهرسازی اروپا شد.

(۲) تحصیل کردن معماران ایرانی در فرنگ و حضور معلمان معماری اروپایی در دارالفنون.

(۳) ورود کالسکه و اتومبیل در سیستم حمل و نقل شهری و بین شهری که باعث به وجود آمدن سبک خاصی در معماری دوره ی قاجار به نام سبک معماری خیابانی شد (خسروی، ۱۳۷۷، ۱۳۴).

(۴) حضور معماران روسی و ارمنی در ساخت و ساز ساختمان‌ها به سبک غربی (اعتصام، ۱۳۷۴، صص ۲۹۳ و ۱۹۲)

۵- اندیشه تجدد در دوران ناصری

بررسی ریشه‌ها و ابعاد اندیشه تجدد در دوران ناصری نیازمند مجالی فراخ است که باید در حوصله این مقاله به اجمال بدان پرداخت. در این بررسی، شمن مروری تاریخی بر پیشگامان مدرنیزاسیون در ایران، تکامل روابط اقتصادی و حرکت به سوی سرمایه داری با شیوه غربی و حاکمیت روابط پولی، شکل‌گیری برخی بنیادهای نظری، تغییر ساختار سلسله مراتب اجتماعی. پایه‌ریزی نهادهای اجتماعی هرچند بنیادهای نظری، تغییر ساختار سلسله مراتب اجتماعی و پایه‌ریزی نهادهای اجتماعی هرچند به صورت گذرا اشاره می‌شود.

نخستین گام در عرصه نوسازی (مدرنیزاسیون) بی‌تردید از سوی امیرکبیر برداشته شد. گشایش دارالفنون (۱۳۶۸ ه ق / ۱۸۵۲) به عنوان نخستین مدرسه بزرگ غیردینی با فاصله سه سال از دارالفنون استانبول و حضور حضور استادان خارجی و تدریس علوم جدید با هدف تربیت پیشگامان تجدد از جمله گام‌های امیرکبیر در نوسازی ایران به شمار می‌رفت (بهنام، ۱۳۸۲، ۳۲). در اینجا اشاره به جنگ‌های ایران و روس و سرخوردگی ایرانیان از عقب ماندگی خود، وضعیت تبریز، شهر ولیعهد نشین قاجار و تأثیرپذیری این شهر از افکار و آداب و رسوم غربی به واسطه نگاه به روسیه و عثمانی ضروری به نظر می‌رسد. در آن دوره دوره راه اصلی شمال ایران را به اروپا پیوند می‌داد. یکی از راه خوی - ارزروم - ترابوزان و دیگری راه تبریز - ایروان - تفلیس که تبریز چهارراه اصلی تبادل انسان‌ها و کالاها به شمار می‌رفت. دوره نمایندگی امیرکبیر به عنوان نماینده ایران در عثمانی و آشنایی وی با اصلاحات رشید پاشا از جمله عوامل موثر در افکار اصلاحی امیرکبیر به شمار می‌آید.

دوران حکومت ناصرالدین شاه با رشد سریع تعداد دیپلمات‌ها و اتباع خارجی نیز همراه بود. اگرچه در پشت این حضور اهداف استعماری پنهان بوده، اما تأثیرات آن را در افکار نخبگان جامعه نمی‌توان انکار کرد. برای مثال ((در سال ۱۸۵۱ بی‌نینگ تعداد اروپاییان مقیم تهران را محدود به اعضای معدو سفارتخانه‌ها و چند افسر خارجی می‌داند و در سال ۱۸۵۶ مونسی تعداد خارجی‌ان مقیم تهران را حدود پنجاه نفر ارزیابی می‌کند. ولی در سال ۱۸۸۹ کرزن تعداد این افراد را پانصد نفر اعلام می‌کند)) (فشاهی: ۱۳۶۰، ۳۲). ابتدایی‌ترین تأثیر این حضور به لحاظ فضایی، معماری ساختمان سفارتخانه‌های خارجی است. در زمان قاجاریه، معماری ایران به خاطر ایجاد روابط سیاسی میان ایران و کشورهای اروپایی از دگرگونی غیرمترقبه‌ای برخوردار شد. از این تاریخ به بعد نخستین پایگاه‌های سیاسی شبه سفارتخانه‌ای در ایران به وجود آمد و اروپایی‌ها با ساختن سفارتخانه‌ای در ایران به وجود آمد و اروپایی‌ها با ساختن سفارتخانه‌های خود به سبک بناهای اروپایی تأثیر زیادی در معماری ایران گذاشتند (رجبی، ۱۳۵۵: ۲۶). علاوه بر امیرکبیر در میان بازیگران تجدد در عصر ناصری بی‌تردید میرزا محمد حسن خان سپهسالار نقش و جایگاه ویژه‌ای دارد. آشنایی سپهسالار با روشنفکران ترک و اقامت دوازده ساله وی در استانبول و ارائه گزارش‌های مفصل به تهران و تشویق شاه و اطرافیان وی به اخذ تمدن غرب تأثیر غرب بسزایی در تغییرات در این دوره داشت. اوج فلسفه دولت سپهسالار (تغییر) در جهت (ترقی) بود و تکیه کلام وی که (در طریق عقل، اختلاف نیست) موجب گردید تا اصلاح طراز حکومت و تاسیس دولت منظم بر پایه قوانین جدید، تفکیک سیاست و روحانیت، افزایش ثروت ملت و دولت، توسعه صنایع و ترویج تجارت، نشر علم مترقی، مدنیت و حقوق انسانیت و... را وجهه همت خود قرار دهد (بهنام، ۱۳۸۲: ۳۴).

تأثیر نوگرایی بر معماری جداره‌های خیابان‌های
شهر تهران در دوره قاجار
(نمونه موردی خیابان لاله زار)
مرتضی نامدار، فاطمه ابراهیم زاده

صص ۹-۱

دوران ناصری، به تعبیری دوران چالش نظری پیرامون تبیین جایگاه سلطنت نیز به شمار می‌رود. انبوه رسائل به قلم علمای دینی، اهل فلسفه و اقشار دیوان سالار در ردّ یا اثبات نظریه کهن سلطنت و ویژگی‌های ظل‌اللهی شاه بیانگر آغاز چالش‌های فکری در یکی از بنیادی‌ترین ساختارهای قدرت جامعه ایرانی است. برخی از این رساله‌ها به طور آشکار در پاسخ به مخالفان سیاسی رژیم قاجار به تحریر درآمده بود. نقدهایی که برای مثال در سفرنامه حاج سیاح می‌توان اشاراتی روشن را در آن دریافت. (در میان رساله‌های منتشر شده در این دوره که به قلم یکی از شاگردان حاج ملاهادی سبزواری به رشته تحریر درآمد، در میابیم که در این دوره به رغم قدرتمندی دستگاه سلطنت، سخنانی در مورد حدود اختیارات شاه و نیز مشروعیت دینی سلطنت پرداخته شده است) (آبادیان: ۲۲، ۱۳۷۴). این چالش‌ها سرانجام با نهضت مشروطه توانست به طور عمده بنیادهای اندیشه کهن سلطنت را سست کند.

در ارزیابی دوره ناصری و تحولات این دوره باید به نقش استعماری روس و انگلیس و توسعه برون‌زای این دوران نیز اشاره نمود. اعطای امتیاز اولین بانک اروپایی موسوم به بانک جدید شرق به انگلیسی‌ها از سوی ناصرالدین شاه (۱۲۸۱ ه. ق / ۱۸۶۴ م) و رقابت صرافان ایرانی با این بانک، مقدمات آشنایی آنان را با فنون جدید بانک‌داری و به فاصله یک سال تأسیس بانک شاهنشاهی ایران که کلیه تأسیسات بانک جدید شرق را خریداری نمود (اشرف، ۵۸: ۱۳۵۹) از موارد قابل اشاره است. در دوران ناصری هم زمان با پیدایی متفکران تجدد خواه، شاهد شکل‌گیری آرام اما ناموفق سرمایه‌داری داخلی هستیم. هم زمان با تلاش‌های نجار و بازرگانان ایرانی مسئله ورود سازماندهی شده سرمایه‌های خارجی نیز مطرح شد. (در سال‌های ۵۷-۱۸۵۶، شاه در نامه‌ای به امین‌الدوله از او خواسته بود تا برای ایجاد کارخانه‌های متعدد در ایران با سرمایه داران انگلیس مذاکره کند) (فشاهی، ۱۳۱: ۱۳۶۰).

اشرف با ارائه فهرستی از صنایع شکل گرفته در این دوران اشاره به جمعیت شاغل دارد که بالغ بر یکصد هزار نفر در صنایع عمدتاً متمرکز در تهران، تبریز، مشهد و گیلان و عبدالله یف نیز ۴۱ کارخانه با سرمایه بیشتر روسی را فهرست نموده است (اشرف، ۱۳۵۹: ۱۰۰ و ۹۹).

شکل‌گیری انجمن‌ها و شرکت‌هایی با انگیزه ملی از دیگر تحولات این دوره به شمار می‌آید. برای مثال انجمن شرقی در اصفهان انجمن اسلامی در کازرون، شرکت اسلامی اصفهان و نیز فکر تأسیس بانک ملی طی نامه‌ای از سوی حاج محمد حسن امین الضرب به ناصرالدین شاه (اشرف، ۱۰۲: ۱۳۵۹) قابل ذکر است.

انقلاب مشروطه به عنوان نتیجه تغییرات در عرصه اندیشه بیانگر عمق خواسته‌های شکل گرفته در دوران ناصری ارزیابی می‌شود. نگاهی به توزیع نمایندگان مجلس اول بر حسب مراتب اجتماعی، علاوه بر اینکه نشان دهنده نیروهای موثر در انقلاب مشروطه است، به نوعی بازتاب شکل‌گیری سلسله مراتب جدید اجتماعی نیز است. حذف اعیان و اشراف و هم‌ترازی تجار و ملاکان با فلاحان و اصناف (اشرف، ۱۱۸: ۱۳۵۹) از تحولات عمده در نظام سلسله مراتب اجتماعی جامعه ایرانی است.

جنبش‌های فرهنگی این دوره دایره وسیعی را به خود اختصاص می‌دهد که زمینه ساز حرکت مشروطه و تجدد فکری دینی از یک سو و به تبع آن جنبش فرهنگی در ترجمه آثار خارجی، نگارش رسالات فلسفی، حقوقی، اجتماعی و نشر روزنامه‌ها در داخل و خارج است و از دیگر سوافزایش تعداد مدارس جدید از این جمله‌اند. در این دوره نویسندگان ایرانی ساکن خارج از کشور در جستجوی ارائه راه حلی برای جبران

تأثیر نوگرایی بر معماری جداره‌های خیابان‌های
شهر تهران در دوره قاجار
(نمونه موردی خیابان لاله‌زار)
مرتضی نامدار، فاطمه ابراهیم زاده

صص ۱-۹

درماندگی و عقب ماندگی کشور و رسیدن به وضعیتی مشابه غرب تلاش‌های بسیاری نمودند که معروف‌ترین آنها سید جمال الدین اسدآبادی، طالبوف، ملک‌خان، آخوند زاده، مستشارالدوله و غیره بوده‌اند. ((رونق ترجمه کتاب‌های اروپایی، تاسیس مدارس جدید مانند مدرسه نظامی تهران، مدرسه سیاسی و مدرسه فلاحت، ایجاد مدارس خارجی و نشر افکار جدیدی در میان ایرانیان، افزایش میسیون‌های مسیحی، تاسیس نخستین کتابخانه در مدرسه دارالفنون، احداث نخستین چاپخانه سنگی در تهران، انتشار روزنامه که شاه وجود آن را برنتابید و به یک روزنامه رسمی تقلیل یافت)) همه بیانگر تمرکز تحول در فضای فرهنگی این دوره در تهران است که علاوه بر متأثر بودن از عوامل درونی، ریشه در روابط بیرونی و تبادل فرهنگی با غرب داشت (اتحادیه، ۱۳۷۵: ۱۴۵-۱۴۰) که نتیجه آن انقلاب مشروطه منتهی شد. باید خاطر نشان ساخت که تکوین مدرنیسم در جوامع مختلف مسیرهای متفاوتی را طی کرده است؛ در آنجایی که تجدد به نحو بومی و از طریق آزمون و خطا بسط یافت، پویش تجدد مقدم بر ظهور نظام اجتماعی مدرن بود زیرا ولی راه را بردومی گشود. این پویش حتی پس از استقرار نظم جدید نیز در کل به عملکرد خود ادامه داد. در اواخر قرن نوزده، و به ویژه قرن بیستم، نظام اجتماعی مدرن چنان موفق از آب درآمد که به دیگر مناطق نیز انتقال یافت و در آنها ریشه کرد. مناطقی که در آنها پویش تجدد هنوز ظاهر نشده بود، صرف نظر از ماهیت اجباری یا خودخواسته این انتقال، غیبت کامل پویش مدرن در تمامی مناطقی که تجدد، در قیاس با مدل اصلی ایجاد شده، خصلتی مخدوش داشته و در وضعی بی‌ثبات باقی بماند. انقلاب مشروطه نیز از این قاعده مستثنی نبود. بحران‌های اجتماعی این دوران که به انقلاب مشروطیت منجر گردید، عمدتاً بر اثر وابستگی پدید آمد و ربطی به دوره‌های پیشین تحول اجتماعی ایران نداشتند. بیشتر قشرها و گروه‌های مردم در صورت بندی اجتماعی ایران و همه کسانی که در صفوف مشروطه خواهان ائتلافی ایجاد کردند، بر اثر تماس یکصد ساله با غرب، آن هم تماسی که با تنش فزاینده همراه بود، شکایات و خواسته‌هایی داشتند (فوران، ۱۳۷۸، ۲۶۸).

۶- خیابان لاله زار

از دیاد جمعیت تهران تا زمان ناصرالدین شاه و گسترش خودانگیخته شهر در خارج از حصار شاه طهماسبی موجب می‌شود تا در سال ۱۲۸۴ ه. ق (۱۲۵۰ ه. ش) به دستور ناصرالدین شاه حصار تخریب شده، شهر از چارسوی گسترش یافته و باروری جدید هشت ضلعی ساخته می‌شود و از این سبب محلات برون شهری نیز داخل شهر قرار می‌گیرد و تهران که در رقابت با استامبول دارالخلافه عثمانی بود، دارالخلافه ناصری نام می‌گیرد. با این گسترش، باغ لاله‌زار همراه با باغ نگارستان - نزدیک‌ترین باغ‌های سلطنتی به حصار تهران - در شهر و باروری جدید قرار گرفته و نقش تفرجگاه درون شهری می‌یابند. بدین ترتیب باغ لاله‌زار و باغ نگارستان، دگردیسی خود را از فضاهای خصوصی و عرصه برون شهری آغاز می‌کنند و تعریفی نو در عرصه شهر را جستجو می‌کنند. شهری که بر آن است که از این پس حال و هوایی فرنگی یابد.

طرح جدید شهر تهران، انگاره‌ای تازه برای خیابان بندی شهر رقم می‌زند، انگاره‌ای مبتنی بر خطوط قائم الزاویه. چهره شهر تغییری جدی می‌یابد و آرایشی فرنگی به خود می‌گیرد. چنان که اعتماد السلطنه می‌نویسد:

و دیگر، خیابان‌های دارالخلافه است که چهار خط آن به شکل مربع ابنیه ارگ مبارک را در میان گرفته و مربع دیگر به هزاران بار از آن بزرگ‌تر خود شهر طهران قدیم را احاطه کرده است و از این هشت خط مزبور خیابان‌های دیگر بریده و به جمیع دروازه‌های

تأثیر نوگرایی بر معماری جداره‌های خیابان‌های
شهر تهران در دوره قاجار
(نمونه موردی خیابان لاله‌زار)
مرتضی نامدار، فاطمه ابراهیم زاده

صص ۹-۱

دوازده گانه دارالخلافه ناصری کشیده شده است... و بر دو کرانه غالب این شوارع
بیشمار همه جا غرس اشجار شده و حفرانه‌ها گردیده است... و مابین تمامی این
خطوط خیابان بیرونی و درونی به دست مهندسان چابک و قیمان چالاک برآئین معابر
عامه اروپا "شوسه" شده است و همه جا عرابه می‌رود و کالسکه می‌گردد" (اعتماد
السلطنه: ۸۸، ۱۳۶۳).

با این تعریف و پیدایی: معابر عامه شوسه"، عبور عرابه و کالسکه چهره‌ای دیگر به شهر
می‌بخشد. "مهندسان چابک و قیمان چالاک" شهر فرنگی مآب را تدارک می‌بینند و
برآند تا چهره‌ای فرنگی به شهر بدهند، حصار جدید به شیوه حصارهای شهرهای
اروپایی ریخته می‌شود و خیابان بندی و تسطیح معابر و ایجاد تجهیزات شهری مثل
گاز نیز در دستور کار قرار می‌گیرد.

گسترش شهر به سوی شمال، عاتوه برآنکه سازمان فضایی ارگ سلطنتی را دگرگون
می‌کند و خیابان‌های جدید فرنگی را از اطراف آن عبور می‌دهد با ایجاد محله‌ای
جدید در مناطق شمالی شهر همراه است که در اثر بزرگ شدن حصار در داخل آن قرار
گرفته: محله دولت: محله سکونت اروپاییا، استقرار سفارتخانه‌ها و اعیان و درباریان،
محله‌ای برای سکونت فرنگیان و تجدد طلبان ایرانی. ناصرالدین شاه در سال ۱۸۳
میلادی (۱۲۵۲ شمسی) به تشویق صدراعظم خود میرزا حسین خان سپهسالار به فرنگ
می‌رود، در آنجا به ویژه در پاریس استقبال شایانی از وی می‌شود و با مراسم باشکوهی
در شانزه لیزه که با حرکت "دسته‌ای فیل در پیشاپیش موکب همایونی همراه است،
ورود او را گرامی می‌دارند (امانت: ۵۵۶، ۱۳۸۳).

این مراسم چنان در وی اثر نهاد که در بازگشت در صدد تشکیل شانزه لیزه‌ای در
پایتخت برآمد (شهری، ۱۳۸۳، ۲۷۶). خیابان لاله‌زار در باغ لاله‌زار احداث می‌شود
و باغ لاله‌زار به نود هزار تومان فروخته می‌شود (هدایت، ۱۳۷۵، ۵). برای عبور خیابان
حصار و نرده‌های باغ خراب کرده و درختان آن بریده می‌شوند و زمین‌های آن میان
اطرافیان شاه تقسیم می‌شود و در این میان بخش قابل توجهی نصیب میرزا علی اصغر
خان اتابک (صدراعظم) می‌شود (شهری، ۱۳۸۳، ۲۷۶).

ایجاد خیابانی با حال و هوای شانزه لیزه، نشان از تجدد طلبی دولت قاجار و دلبستگی
به فضاهای شهری فرنگی (اروپایی) دارد. دولت قاجار و دلبستگی به فضاهای شهری
فرنگی (اروپایی) دارد. خیابانی برای آمد و شد تجدد طلبان و دیگر مردمانی که میل به
دیدن فضایی دیگرگونه دارند و این شروعی است برای ایجاد زندگی شهری در خیابان.
شانزه لیزه در پاریس جدید مکانی برای جاری شدن زندگی شهری به صحنه در آمدن
نمایش‌های شهری است که بازیگران آن مردمان عادی شهر یعنی شهروندان هستند.
خیابان تازه احداث شده در باغ لاله‌زار می‌خواهد چنین عرصه‌ای را در شهر تهران تدارک
ببیند. برای ایجاد این خیابان از زمین‌های خالی بیرون باغ لاله‌زار استفاده نمی‌شود
(چنانچه از تطبیق نقشه‌های تهیه شده در آن دوران حاصل می‌شود)، بلکه بخشی از
باغ لاله‌زار که عملکرد گذشته خود را از دست داده و دیگر در زندگی دربار نقشی ندارد،
تبدیل به خیابان می‌شود. اگر هوسمان در بازسازی پاریس قصد برآن داشت که پاریس
را برای گردش کالا و سرمایه فتح مجدد و آن را برای سرمایه داری نوپا مهیا کند، در
این جا دولت قاجار فارغ از اندیشه‌های تولیدی، در پی تقلیدی ساده انگارانه از نقش
جدید و تجدد طلبانه خیابان است گویانکه نمی‌توان بحث سوداگرانه و سودآوری مالی
دولت را از نظر دور داشت. زمین باغ که اینک در درون محدوده شهر و در کنار خیابان
جدید قرار می‌گیرد به عنوان کالایی پرسود برای چاکران و مخلصان دولت قاجار مطرح

شده و در چرخه سوداگری زمین شهری قرار می‌گیرد. امری نودر اقتصاد شهری به وقوع می‌پیوندد. نکته‌ای که سرنوشت بسیاری از اراضی و باغات مرغوب تهران در سال‌های بعد تا هنوز را نیز رقم می‌زند. با گسترش و ایجاد محله جدید دولت در شمال شهر، جابه جایی مرکز شهر (از سبزه میدان به میدان توپخانه) و به زیر ساخت و ساز رفتن باغ‌های برون شهری قدیم، که نقش تفرجگاه‌های ییلاقی بلا فصل شهر را بر عهده داشتند، دو باغ نگارستان و لاله‌زار عملکردهای دیگری می‌یابند. باغ نگارستان نقش دیوانی و حکومتی می‌یابد (تکمیل همایون، ۱۳۷۸، ۳۶) و مدتی نیز در سال ۱۲۹۸ ه. ق. (۱۲۶۴ ه. ش) مکان تبعید مظفرالدین میرزای ولیعهد به دلیل سوء عملش در فتنه عبیدالله کرد و در آذربایجان می‌شود (اعتماد السلطنه، ۱۳۵۶) می‌آید. در قسمت شرقی باغ، باغ وحشی ایجاد می‌شود. که در آن بسیاری از درندگان و "جانوران جنگل و جبالو صحاری و الوان طیور و انواع وحوش را در حرزهای حصین و قفس‌های آهنین" نگه می‌دارند (سیفی فمی، ۱۳۶۹ به نقل از مآثر و الآثار، باب هشتم، ۹۸). هدف از ایجاد باغ وحش بنا به گفته اعتماد السلطنه در ابتدا برای نگهداری: طیور و وحوش... برای تعلیم و تعلم علوم طبیعی" (اعتماد السلطنه، ۱۳۶۷، ۱۴۸۳) است ما بعداً جنبه تفریحی آن غالب شده و در آنجا برای مردم نمایش‌های جالبی از حیوانات وحشی رام شده از قبیل شیرو فیل و انواع میمون‌ها می‌دهند (نجمی، ۱۳۵۶، ۱۵۶). به دستور کامران میرزا نایب السلطنه تهران در روزهای عید و جشن مثل عید قربان و چهارشنبه آخر سال یا چهارشنبه سوری در نزدیک استخر فراخ و پهناور باغ وحش افراد دسته موزیک فوج مخصوص او آهنگ‌های ویژه‌ای اجرا می‌کردند و باغ لاله‌زار "مجمع اهل دل و ارباب هوا و هوس و مشتاقان سیرو تماشا" می‌شد (سیفی فمی، ۱۳۶۹، ۱۵۱) بدین ترتیب باغ لاله‌زار در بخش شرقی خود تبدیل به پارک عمومی و محل باغ وحش می‌شود. عناصری کاملاً نودر شهر تجدید طلب ان روزگاران.

۷- نتیجه‌گیری

در دوره قاجار معماری رسمی به تبع تجدید طلبی چهره‌ای برون می‌یابد و خیابان در مفهوم جدید خویش لبه‌های خود را برای جای دهی عناصر خدوماتی بر می‌گزیند. پدیده‌ای که در ایران به آن معماری خیابانی اطلاق می‌گردد، معماری‌ای است که در تعامل با خیابان و با داشتن توجه به نمای رو به خیابان شکل گرفته است. این پدیده برای نخستین بار در محور چهار باغ اصفهان ظاهر شد اما تنها در دوره قاجار به طور سیستماتیک شکل گرفت. بدین ترتیب در حالی که خیابان در مکتب اصفهان عملکرد تفرجی دارد اما در سبک تهران به عنوان یک فضای شهری با هویت و زنده خود را مطرح می‌کند. لذا در معماری که تا این زمان اساساً درون گرا بوده و خانه‌های مسکونی آن برای ایجاد ارتباط با بیرون متکی بر حیاط مرکزی بودند و کمتر به نمای بیرونی رو به معبر توجه می‌نمودند، تدریجاً به تقلید از معماری اروپا و با استقرار عناصر در لبه‌های خیابان‌های جدید الاحداث، نماهایی شکل گرفتند که علی‌رغم غیربومی و نوظهور بودن تقارن و هارمونی مناسبی داشتند و همین امر نوعی وحدت و یکپارچگی به نمای خیابان می‌بخشید. بدنه میدان توپخانه و خیابان‌های لاله‌زار و باب همایون نمونه‌های مناسبی در این زمینه هستند.

تأثیر نوگرایی بر معماری جداره‌های خیابان‌های

شهر تهران در دوره قاجار

(نمونه موردی خیابان لاله‌زار)

مرتضی نامدار، فاطمه ابراهیم زاده

صص ۹-۱

مراجع

- ۱- اعتماد السلطنه، محمد حسن (۱۳۶۳) چهل سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه، جلد اول الاثروالآثار، به کوشش ایرج افشار، اساطیر، تهران
- ۲- اعتماد السلطنه، محمد حسن (۱۳۶۷)، مرآه الیبدان، جلد دوم و سوم، به کوشش ع. نوتیی و م. ح، محدث، دانشگاه تهران، تهران-
- ۳- امانت، عباس (۱۳۸۳) قبله عالم، ناصرالدین شاه قاجار و پادشاهی ایران (۱۲۴-۱۳۱۳)، ترجمه حسن کامشاد، کارنامه، مهرگان، تهران
- ۴- سیفی خمی، تفرشی، مرتضی (۱۳۶۹) تهران در آینه زمان، اقبال، تهران
- ۵- شهری، جعفر (۱۳۸۳) طهران قدیم، معین، تهران
- ۶- اعتصام، ایرج. (۱۳۷۴)؛ بررسی معماری و شهرسازی معاصر ایران یا اروپا مجموعه مقالات کنگره‌ی تاریخی معماری و شهرسازی ارگ بم، تهران سازمان میراث فرهنگی
- ۷- خسروی، محمد باقر، (۱۳۷۷)؛ معماری ایران در دوره قاجار، فصل نامه هنر، تهران مرکز مطالعات و تحقیقات هنری، شماره ۳۶
- ۸- هدایت، مهدی (۱۳۷۵) خاطرات و خطرات، توشه‌ای از تاریخ شش پادشاه و گوشه‌ای از دوره‌ی زندگی من، زوار، تهران
- ۹- پاکزاد؛ جهان‌شاه، "راهنمای طراحی فضای شهری" وزارت مسکن و شهرسازی، معاونت شهرسازی و معماری، شرکت طرح و نشر، پیام سیما ۱۳۸۴.
- ۱۰- لنگ، جان (۱۳۸۶)، "طراحی شهری: گونه‌شناسی رویه‌ها و محصمولات" ترجمه سید حسین بحرینی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

تبیین مفهوم مکان در الگوی بازارهای سنتی

بهروز اقبالی درخشان^۱، کاظم مندگاری^۲، سمیه امیدواری^۳

۱- کارشناس ارشد معماری، دانشکده هنر، دانشگاه علم و هنر یزد

۲- استادیار گروه معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر و معماری یزد

۳- استادیار گروه معماری دانشکده فنی مهندسی، دانشگاه علم و هنر یزد
آدرس پست الکترونیک نویسنده رابط: Behrouzaghbali.d@yahoo.com

چکیده

با مطرح شدن مفهوم خلق مکان برای مردم در طراحی شهری در چند دهه‌ی گذشته طراحان شهری بسیاری کوشیدن تا شاخص‌های مطلوب کیفی در مکان‌های شهری موفق را معرفی کنند. بازارهای سنتی از مفاهیم مهم شهری می‌باشند که ساختار و پیکره‌ی شهر بر آن‌ها استوار شده است. بازارهای سنتی، علاوه بر تأمین نیازهای اقتصادی روابط عمیق اجتماعی را هدایت می‌کنند و از توانایی گسترش مرزهای فرهنگی را نیز برخوردار هستند. در این مقاله به تبیین مفهوم مکان در بازارهای سنتی پرداخته می‌شود. برای این کار لازم است ابتدا مفهوم مکان و جنبه‌های مختلف آن مشخص می‌گردد؛ همچنین رویکرد این مقاله به بازار نیز تعریف شود. ابتدا رویکردهای مکانی مختلف و ابعاد آن مشخص می‌گردد، سپس به مفهوم الگو و الگوهای بازارهای سنتی می‌پردازیم. در نهایت هم با توجه به اهداف و معیارهای معماری بازارهای سنتی، به تبیین مدل مکان در بازارهای سنتی می‌پردازیم. نتایج حاصل از این مقاله، بیان می‌دارد که مکان در بازار دارای سه مؤلفه‌ی البد، معنی و فعالیت می‌باشد که از به وسیله‌ی فضا و رویدادهای حاصل در آن، ساختار بازار سنتی شکل می‌گیرد.

واژگان کلیدی: مکان، الگو، الگوی بازار، بازار سنتی

مقدمه

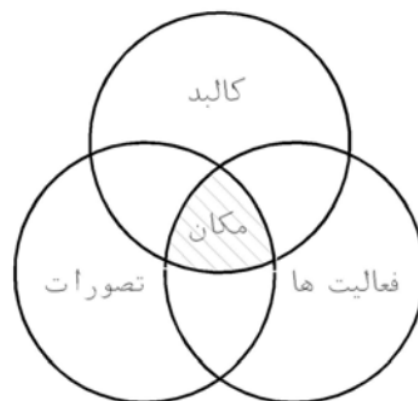
طی دودهمی گذشته مفهوم خلق مکان برای مردم در طراحی شهر حکم فرما شده است؛ به طوری که پیتر بوکانان در ۱۹۸۸ می گوید: «طراحی شهری ضرورتاً درباره‌ی ایجاد مکان است.» (Carmona M., 2003, p. 7). دیارتمان حمل و نقل، محیط و مناطق و کمیسیون معماری و محیط ساخته شده نیز در سال ۲۰۰۰ تعریف شفافی از طراحی شهری تحت عنوان «هنر خلق مکان برای مردم» ارائه دادند (DETR & CABE, 2000, p. 8).

برخی الگورا بعنوان بخشی که شکل یا کیفیت کل را نشان می دهد، و برخی آن را بعنوان پیش نویس یا نموداری که راه معمولی یک عمل یا رفتار و یک ساختار ادراکی را نمایش می دهد، معرفی کرده اند (هومن، ۱۳۸۶، ص. ۶۵). اصطلاح الگورا انسان شناسان، حداقل از سال ۱۸۷۱ به مفهومی چندجانبه به کار برده اند. این کاربرد آزاد تاکنون ادامه دارد. بر همین مبنا از الگو، گاه در توجه به کیفیت های رفتاری، الگوهای آرمانی و رفتاری و گاه در توجه به اصول فرهنگ ها یاد شده است (گولد & همکاران، ۱۳۷۶، ص. ۹۱).

هر قاعده یا الگویی خود نوعی الگویی از نسبت ها میان قاعده هایی دیگر است، و آن قاعده ها نیز خود الگویی از نسبت ها است. هر الگوی یک مجموعه ایی است نه مجموعه ایی ثابت بلکه مجموعه روابطی است که می تواند هر بار که محقق می شود صورت دیگری داشته باشد. (الکساندر، راه بی زمان ساختن، ۱۳۹۰) بازار به معنی عام عبارت است از منطقه ایی در دست مجموع افرادی خاص که به تناسب حرفه خویش و عرضه و تقاضایی که در جامعه وجود دارد، فضای بازار برای داد و ستد و سپس محل تجمع و رفت و آمد مردم. به عبارتی دیگر فضای ارتباطی، اجتماعی و سکونتگاهی به حساب می آمده است. (سلطان زاده ح.، بازارهای ایران، ۱۳۸۶، ص. ۵) الگوی بازارهای سنتی، دارای ابعاد و مؤلفه های گوناگونی هستند و کالبد، فعالیت و معنی خود از ابعاد اصلی بازار می باشند برای زنده نگه داشتن حیات در بازارها خود، نیاز است تا ابعاد مختلف بازار، همسویا هم بتوانند به انواع نیازهای مردم پاسخ بدهند.

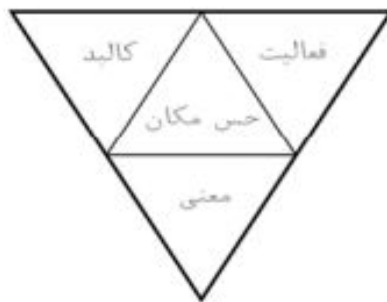
مکان

دیوید کانتر نخستین کسی است که در سال ۱۹۷۷ مؤلفه های مکان و ابعاد مکان را طی دیاگرامی بیان می کند. بر اساس مدل مکان کانتر که به مدل "مکان" شهرت دارد، محیط شهری به مثابه یک "مکان" متشکل از سه بعد در هم تنیده "کالبد"، "فعالیت ها" و "تصورات" است (نمودار ۱ (گلکار ک.، ۱۳۸۰، ص. ۵۳).



نمودار ۱. مدل مکان کانتر، مأخذ: کانتر، ۱۹۷۷. (گلکار ک.، ۱۳۸۰)

کانتر عنوان کرد که ماهیت مکان از ترکیب این سه قلمرو اساسی تشکیل شده است: ویژگی‌های فیزیکی قابل مشاهده-ی آن، مفاهیمی که آن را در ذهن ما شکل می‌دهد و مجموعه-ای از رفتارها که آن مکان قادر به توسعه‌ی آن‌ها است (Rio، Canter، 1977، p. 58). براساس این مدل می‌توان گفت ارتقای کیفیت محیط شهری در گرو ارتقای کیفیت مؤلفه‌های سه گانه‌ی مکان است. مدل کانتر موجب شد تا دیگر صاحب‌نظران طراحی شهری با الهام یا اقتباس از آن، روایت‌های متنوعی را ارائه کنند. برای مثال مدل حس مکان جان پانتر که بر سه گانه بود مؤلفه‌های دخیل در خلق حس مکان دلالت دارد، می‌توان از روایت‌های فرعی مدل کانتر دانست. (نمودار ۲) براساس مدل "جان پانتر" سه مؤلفه "کالبد"، "فعالیت" و "معنی" در خلق حس مکان دخیل هستند که به نحو قابل ملاحظه‌ای با سه مؤلفه پیشنهادی "کانتر" یعنی "کالبد"، "فعالیت‌ها" و "تصورات" تشابه دارند (گلکار ک.، ۱۳۸۰، ص. ۵۳).



نمودار ۲. مدل حس مکان پانتر، مأخذ:
پانتر ۱۹۹۱ (گلکار ک.، ۱۳۸۰)

در این مدل مؤلفه‌های حس مکان دارای اجزای زیر هستند:

- اجزای مؤلفه‌ی کالبد: منظر شهری، فرم ساخته شده، نفوذپذیری، معماری منظر، مبلمان.
- اجزای مؤلفه‌ی فعالیت: کاربری زمین، جریان پیاده، رفتار، الگوها، صدا، بو، جریان سواره.
- اجزای مؤلفه‌ی معنی: خوانایی، تداعی معانی فرهنگی، عملکردهای ادراکی و جذابیت‌ها، ارزیابی کیفیتی (Carmona M.، 2003، p. 99).

راپوپورت (۲۰۰۴) اظهار داشت که محیط اجزای مختلفی دارد و محیط مصنوع از سه دسته عناصر ثابت (زیرساخت‌ها و ساختمان‌ها) نیمه ثابت (خارج از منزل، درختان، عناصر مرزی، نشانه‌ها، بیلبردهای تبلیغاتی، عناصر روشنایی، نیمکت و غیره) و غیر ثابت (مانند کاربران، اقدامات کاربران و وسایل نقلیه) تشکیل شده است. اجزای نیمه ثابت از عوامل تعیین‌کننده و مهم محیط است که بر نگرش کاربر تأثیر می‌گذارد. فضاهای باز از عناصر ثابت و نیمه ثابت مرتبط با نیازهای کاربر در محدوده‌ی محیط فیزیکی شکل گرفته است (Aydin، Dicle، Ter، & Ummugulsum، 2008، pp. 190-191).

الگو

واژه Pattern به معنای؛ الگو، انگاره، شکل و نمونه، قالب، طرح، منوال و نقش در نظر گرفته شده است. این واژه در معانی متعددی به کار رفته است. در تعریفی ساده از الگویی می‌توان گفت؛ الگویی مدل، نمایش نظری و ساده شده از جهان واقعی می‌باشد

(دهقان، معماریان، محمدمرادی، & عبدی اردکانی، ۱۳۹۰). علی اکبر دهخدا الگو را چنین معنا کرده است: «الگو؛ روبرو، مدل، سرمشق، مقتدی، اسوه، قدوه، مثال، ... الگو معمولا به نمونه کوچکی از به شی بزرگ یا به مجموعه محدودی از اشیای بی شمار گفته می شود که ویژگی های مهم و اصلی آن شی بزرگ یا اشیای را داشته باشد (شعبانی، ۱۳۸۵، ص. ۲۱۸).

برخی الگورا بعنوان بخشی که شکل یا کیفیت کل را نشان می دهد، و برخی آن را بعنوان پیش نویس یا نموداری که راه معمولی یک عمل یا رفتار و یک ساختار ادراکی را نمایش می دهد، معرفی کرده اند (هومن، ۱۳۸۶، ص. ۶۵). اصطلاح الگورا انسان شناسان، حداقل از سال ۱۸۷۱ به مفهومی چند جانبه به کار برده اند. این کاربرد آزاد تاکنون ادامه دارد. بر همین مبنا از الگو، گاه در توجه به کیفیت های رفتاری، الگوهای آرمانی و رفتاری و گاه در توجه به اصول فرهنگ ها یاد شده است (گولد & همکاران، ۱۳۷۶، ص. ۹۱).

خلاصه الگودر آن واحد هم شی است که در عالم حادث می شود و قاعده ایی است که به ما می گوید چگونه آن شی را به وجود آوریم و چه وقت باید آن را به وجود آوریم هم روند است و هم شی، هم وصف چیز زنده ای است و هم وصف روندی که آن چیز را ایجاد می کند. کشف الگوبه معنای کشف ارتباط میان زمینه و نیروها و ارتباطاتی در فضا است که بی هیچ قید و شرط برقرارند. این کشف را می توان در مرتبه ای کاملا نظری انجام داد.

الگوها در هر جا، در هر فرهنگ و در هر دوره ای متفاوت اند، همه ی آن ها ساخته ی انسان و همه ی آن ها وابسته به فرهنگ اند. با این حال در هر دوره و هر جا، ساختار عالم ما ضرورتا حاصل مجموعه الگوهایی است که بارها و بارها تکرار می شود. این الگوها عناصر عینی مثل آجر و در نیستند بلکه بسیار ژرف تر و سیال ترند، جوهره ای هستند ناب و پنهان که هربنا و شهر همواره از آن ها ساخته می شود. (الکساندر، راه بی زمان ساختن، ۱۳۹۰)

الگوی بازارهای سنتی

بازار به معنی عام عبارت است از منطقه ایی در دست مجموع افرادی خاص که به تناسب حرفه خویش و عرضه و تقاضایی که در جامعه وجود دارد، به تنهایی یا گروهی دادوستد می کنند. بازار به معنی محدود و مطلق خود عبارت است از، مکان دادوستد و خرید و فروش کالا یا محل اجتماع خریداران و فروشندگان و در قاموس کتاب مقدس، ضمن تعریف بازار به دو جنبه ی آن اشاره شده است. نخست آنکه فضای بازار برای دادوستد و سپس محل تجمع و رفت و آمد مردم. به عبارتی دیگر فضای ارتباطی، اجتماعی و سکونتگاهی به حساب می آمده است. (سلطان زاده ح.، بازارهای ایران، ۱۳۸۶، ص. ۵)

مفهوم «بازار سنتی» ریشه در مفهومی دارد که در معماری سنتی در ایران در طول پنجاه سال گذشته بیان شده است، به طوری که در برخی از نوشته ها و طبقه بندی هایی که از بازارهای ایرانی در طول تاریخ شکل گرفته است، بازارهای نقاط مختلف ایران را برحسب دوره ی ساخت آن ریشه در مکتبی همچون مکتب اصفهان، مکتب تهران مکتب شیراز و غیره می دانند. در نگاه این محققین به عنوان مثال بازار اصفهان بازاری است که در ساختار مکتب اصفهان ساخته شده و یا بازار تهران متعلق به مکتب تهران است (پور جعفر & محمودی نژاد، ۱۳۸۵)

در این طرز نگارش به معماری ایران و تعریف آن به عنوان یک معماری سنتی برای

اینکه برخی اصطلاح «معماری سنتی» را همان «معماری تاریخی» یا «معماری اصیل»، «معماری با هویت»، «معماری خودی»، «معماری با معنی»، «معماری محلی» می‌دانند، در یک سری مفاهیم با هم مشترک هستند که شامل موارد زیر می‌شود:

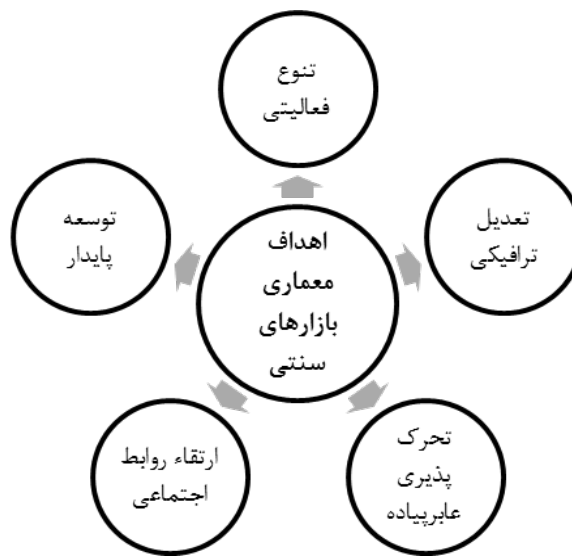
- معماری سنتی محصول روشی سنتی در طراحی و ساخت است؛
- معماری سنتی دارای الگوها و اصولی است، که همراه فرهنگ و جامعه، در طول زمان استمرار یافته و دست به دست گشته و منتقل شده است؛
- معماری سنتی با امر قدسی مرتبط و گونه‌های معماری آن مرتبط با فضا است (صادق پی، ۱۳۸۸، ص. ۱۵).

ریشه‌ی مفهوم سنت و تئوریزه کردن این مفهوم در معماری ایران برمی‌گردد به نظریات و افکار فیلسوفانی که در ۴۰ تا ۵۰ سال پیش شروع به ارائه‌ی نظریاتی در باره سنت کردند. در صدر آنها می‌توان از دکتر سید حسن نصر و هانری کوربن نام برد. نظرات این افراد توسط معماران دیگری همچون نادر اردلان (با کتاب حس وحدت) و همچنین شهرسازانی همچون سید محسن حبیبی (مکتب بندی معماری ایران) وارد عرصه‌ی معماری و شهرسازی شد. با توجه به آنچه که تا به حال گفته شده می‌توان نتیجه گرفت که در طراحی بازارهای سنتی اهداف زیر مدنظر بوده است:

اهداف به‌کاررفته در معماری بازارهای سنتی

با توجه به آنچه تا به حال گفته شده می‌توان نتیجه گرفت که در طراحی بازارهای سنتی اهداف زیر مدنظر بوده است:

- تنوع فعالیتی: توجه به نقش و عملکرد راسته‌ها و تنوع خدماتی با رویکرد ایجاد راسته‌های تخصصی.
- تعدیل ترافیک: بازارهای سنتی، عدم استفاده از اتومبیل شخصی را ترجیح می‌نماید. به عنوان مثال در بازارهای سنتی فضاهایی نظیر کاروانسراها و سراها جهت مکان‌هایی برای بارانداز اجناس و کالاها استفاده می‌شدند (سلطان زاده ح.، ۱۳۸۶) و امروز نیز می‌توان از مفهوم این فضاها جهت طراحی پارکینگ‌ها و باراندازها در طراحی‌ها استفاده نمود.
- تحرک پذیری عابر پیاده: حرکت کالا، مردم، خدمات و وسایل نقلیه در یک راسته تجاری بسیار ضروری می‌نماید. راسته‌ای تجاری سنتی با تقویت خرده‌فروشی اوضاع اقتصادی محدوده را بهبود می‌بخشد. ایجاد طیف وسیعی از فرصت‌های تجاری برای بازدیدکنندگان و حاضران به شکوفایی اقتصادی کمک می‌کند (نظام محله، ۱۳۹۲).
- ارتقاء روابط اجتماعی: در نظر گرفتن فعالیت‌های اوقات فراغت، امکانات مصاحبت و تعاملات اجتماعی، رواج بازی‌های سنتی ایرانی و مکان مراسم‌های مذهبی و سنتی و رویدادهای مهم اجتماعی مؤثری داشته باشد (بهرامی، ۱۳۹۰).
- توسعه پایدار: ارتقا کیفیت محیط فیزیکی از طریق استفاده از اصول اقلیم به کاررفته در بازارهای سنتی (قبادیان، ۱۳۸۸) در تأمین هوا مطبوع، استفاده از عنصر آب و درختان در عناصر جانبی نظیر حیاط مساجد، استفاده از نور طبیعی خورشید از سقف و حذف وسیله نقلیه و وسایل آلوده‌کننده محیط زیستی.



نمودار ۳. اهداف به کار رفته در طراحی بازارها، مأخذ: (سامانی، ۱۳۹۰، ص. ۵۹؛ نظام محله، ۱۳۹۲)

مکان در بازار سنتی

محمد کریم پیرنیا روح معماری سنتی ایران را در ۵ اصل هنری درون‌گرایی، مردم‌واری، خودبسندگی، پرهیز از بیهودگی، نیارش و پیمون مطرح نموده است. (پیرنیا، ۱۳۸۷)

درک مفاهیم و اصول مکان در بازارهای سنتی ایران بدون شناخت و درک محیط فرهنگی و اجتماعی که این مفاهیم در آن رشد کرده و بدون آگاهی از دریافت‌های اساسی فرهنگ که از قید زمان آزادند میسر نمی‌گردد و هرگونه برداشت و تأویلی که بی‌توجه به ریشه‌های این مفاهیم صورت بگیرد لاجرم در حد سطح باقی می‌ماند. لذا در ادامه به تبیین اصول طراحی شده به کار رفته در بازارهای سنتی پرداخته می‌شود:

مکان-یابی بهینه در شهر

بازارهای سنتی ایران معمولاً در مرکز و قلب شهرها قرار داشته‌اند علت این امر می‌توان به دو عامل نسبت داد: یکی اینکه مرکزیت بازار امکان دسترسی یکسان همگان را به بازار فراهم می‌ساخت، و دیگر اینکه امنیت اجناس و اموال مردم در مرکز شهر بهتر برقرار می‌شد (سلطان زاده ح.، ۱۳۸۶)

- عملکردی در عین وجود رسته صنفی

وجه مشخصه اشتراک بازارهای ایرانی در این است که در طول یک مسیر پیوسته امتداد دارند و علاوه بر کارکرد اقتصادی دارای عملکردهای دیگری نیز هستند و در آن‌ها علاوه بر مغازه، حمام‌ها، کاروانسراها، انبارهای کالا، مساجد، مدارس، آب‌انبارها، حسینیه‌ها و تکایا، قیصریه‌ها و تیمچه‌ها، صرافی‌ها، و دیگر مکان‌های تجاری و تفریحی قرار داشتند (پیرنیا، ۱۳۸۸).

- پیوستگی در نظام کالبدی- بصری

جوامع سنتی در یک فضای معنوی زندگی می‌کنند که هم از لحاظ کیفی و هم از لحاظ کمی جویای همگنی و تناسب کامل است. در ورای این وحدت و پیوستگی یک شالوده انکارناپذیر دیده می‌شود که تفهیم آن برای درک سنت ایران ضروری است (نصر، ۱۳۸۰). اولین خصوصیت در بازارهای سنتی، پیوستگی آن‌هاست.

- سازگاری با اقلیم

سرپوشیده بودن اغلب بازارها با طاق‌های گنبدی و تعبیه نورگیرها، از خصوصیات است که در عین ایجاد شرایط مطلوب انسانی و ایجاد امنیت در مقابل عوامل جوی، سبب تشدید حس محصوریت نیز می‌گردد (قبادیان، ۱۳۸۸). به طور مثال در مناطق سردسیر ارتفاع راسته‌ها دکان‌ها نسبت به مناطق خشک و کویری در بازارها کمتر است.

- رعایت اصل وحدت

مهم‌ترین اصلی که در این خصوصیت بازارها مطرح است، وجود یک عنصر به عنوان قلب یا قطب است که حاکم بر تمام اجزاء است. (به عنوان مثال مسجد- مدرسه‌ها در طول بازارها). قطب، یک فضای شهری است که معمولاً اصلی‌ترین و مهم‌ترین منظور و کاربرد فضایی را دربردارد و عامل اتحاد اجزاء و به وحدت رساندن آن‌هاست (اردلان & یختیار، ۱۳۹۰). درواقع در بازارها، مفهوم کل، که به معنای واحد بودن است، عامل اتحاد اجزاء و تشکیل سیستم آن است، به گونه‌ای که ترکیب تمامی عناصر مجموعه، واحد مستقلی را تشکیل می‌دهد. وظیفه نهایی کل به وحدت رساندن اجزاء است (نصر، ۱۳۸۰).

- دسترسی بهینه

نحوه جایگزینی و ارتباط عناصر مهم شهری که با بازار در ارتباط هستند از اصول و ضوابط خاصی برخوردار است:

- مساجد به دلیل اهمیت در مکانی با بهترین دسترسی قرار دارند.
- واحدها و مغازه‌های فروش کالاهای بزرگ به منظور ایجاد تسهیلات حمل و نقل کالا معمولاً در مدخل بازار قرار دارند.
- عناصری مانند کاروانسراها در مکان‌هایی مرتبط با دروازه‌های شهر و راسته‌های فرعی قرار می‌گیرند.

- رعایت تناسب و مقیاس انسانی

منظور از تناسب، رابطه بین ابعاد مختلف یک فضا یا شیء (مستقل از اندازه آن) است. منظور از مقیاس، رابطه بین ابعاد یک شیء یا فضا با اشیاء و فضاهای دیگر است. چنانچه اندازه یک فضا با پیکر انسان و رفتارهای فیزیکی- روانی او در ارتباط خوب و مطلوب باشد، گفته می‌شود که فضا مقیاس انسانی دارد. با نگرشی تحلیلی بر چند نمونه از بازارهای سنتی ایرانی می‌توان دریافت که همواره ابعاد و تناسبات کالبدی آن‌ها، دارای پیمون مشخصی (پیرنیا، ۱۳۸۷، ص ۶) بوده که از نظر زیبایی‌شناسی و انطباق با موارد کاربردی و اقلیمی پاسخ داده شده است.

- رعایت محصوریت فضایی

محصور بودن فضایی با پیوستگی بدنه محصورکننده فضا ارتباط دارد، بدین مفهوم که وجود فواصل متعدد بین بدنه ساختمان‌ها و اختلاف فاحش بین نماها موجب تضعیف فضای محصور می‌گردد. علاوه بر این، محصوریت با سادگی شکل در کل و جزء و همچنین ایستایی و پویایی فضاهای محصور ارتباط پیدا می‌کند (سامانی، ۱۳۹۰، ص ۹۷).

عناصر محصورکننده بازارها - با توجه به موقعیت و ویژگی‌های اقلیمی - را می‌توان موارد زیر را نام برد:

- قسمت‌های سرپوشیده بازار

- استفاده از عناصر نرم مانند درختان در عناصر جانبی بازار مانند کاروانسراها و مساجد.

- تباین فضایی

فضاهایی که از نظر خصوصیت اجزاء و عناصر، دارای تفاوت‌های خاصی هستند، فضاهای متباین محسوب می‌شوند (سامانی، ۱۳۹۰، ص. ۹۷). بازارهای سنتی دارای گنجینه‌های گران بها از فضاهای متباین و متفاوت است. این فضاها بیشترین اثر بصری را در جلوگیری از یکنواختی را در بازارهای شهری را داراست. فضاهای متباین در بازارهای سنتی معمولاً با تغییر در ابعاد فضا (پهن و باریک شدن) و با ایجاد فضاهای باز و سرپوشیده در امتداد هم مطرح می‌شوند البته کاربردهای دیگری چون مسقف بودن بازارها در ایجاد سایه برای مقابله با شرایط اقلیمی خاص منطقه نیز در این میان مطرح می‌شود (قبادیان، ۱۳۸۸). در طول بازارهای سنتی در خلق تباین فضایی از موارد زیر بهره گرفته شده است:

- تناسبات و ابعاد خاص (افقی و عمودی)
- ریتم
- عناصر معرف مانند (دروازه)
- عملکردهای فعالیتی و عملکردی جانبی

- وجود نقاط عطف بصری و فعالیتی

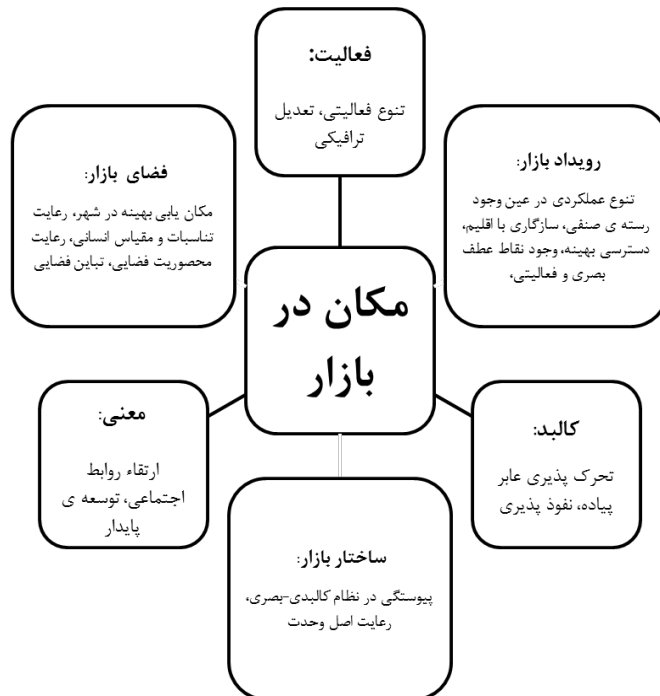
سیمای بازارهای سنتی ایران عموماً دارای عناصر بصری همگن و هماهنگ است که در آن از نظر بصری عنصر یا عناصری طلب می‌شوند که گذشته از کاربردهای روزمره، نشانگر و سمبل آداب و رسوم و اعتقادات مردم می‌باشند، و به صورت نقطه عطفی در سیمای شهری مطرح شوند. این گونه بناها در کلیه بازارهای سنتی ایران دیده می‌شوند، که در اکثر موارد دارای روحیه‌ای مذهبی یا فرهنگی که غنی‌ترین و ریشه‌دارترین موضوع در فرهنگ ساکنان آن شهرها بوده است، برای مثال می‌توان منارها و گنبد های مساجد جامع را به عنوان نقطه عطفی در سیمای بازارها مطرح کرد (سامانی، ۱۳۹۰).

نتیجه گیری

بر اساس مدل حس مکان جان پانتروسه مولفه «کالبد»، «فعالیت» و «معنی» در خلق حس مکان دخیل هستند که به نحو قابل ملاحظه‌ای با سه مولفه پیشنهادی کانتری یعنی «کالبد»، «فعالیت‌ها» و «تصورات» تشابه دارند. (گلکار، ۱۳۸۰، ص. ۵۳). حال می‌توان به این موضوع مهم اشاره کرد که بازارها، دارای ابعاد و مؤلفه‌های گوناگونی هستند و کالبد، فعالیت و معنی خود از ابعاد اصلی بازار می‌باشند که بر مؤلفه‌های فضا، رویداد و ساختار در بازار تأثیرگذار هستند. برای زنده نگه داشتن حیات در بازارها خود، نیاز است تا ابعاد مختلف بازار، همسویا هم بتوانند به انواع نیازهای مردم پاسخ بدهند.

نمودار زیر، با توجه به اهداف مطرح شده در بازارها و معیارهای طراحی بازارهای سنتی ترسیم شده است. بیان تحلیلی از مطالعات این فصل به ما می‌گوید که کارکرد و معنا در بازار، دیاگرامی از فضای بازار را برای ما ترسیم می‌کند که به اصول فضایی مانند تناسبات و مقیاس انسانی مرتبط است. شکل و کارکرد، مؤلفه‌ی دیگری از بازار که رویدادها در آن اتفاق می‌افتد را به ما نشان می‌دهد و عملکردهای مختلف را با توجه به اقلیم و دید بصری در آن حادث می‌کند. اما بعد دیگری که در این مجال به آن پرداخته شده است، ساختار بازار است که در واقع پیوند بین شکل و معنا را شامل می‌شود و به

سامان‌کننده‌ی نیروهای پنهان در بازار است و باعث پیوستگی در نظام کلی و جزئی بازار می‌شود. معیارهای استخراج شده در این فصل، در فصول آینده بیشتر مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهند گرفت.



نمودار ۴. مکان در بازار، کالبد، فعالیت، معنی

مراجع

۱. پورجعفر، م.، & محمودی نژاد، ه. (۱۳۸۵). جستاری بر تقسیم بندی معماری معاصر ایران. آبادی، ۵۲.
۲. قبادیان، و. (۱۳۸۸). بررسی اقلیمی ابنیه سنتی ایران. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۳. هومن، ع. (۱۳۸۶). شناخت روش علمی در علوم رفتاری. تهران: سمت.
۴. پورجعفر، م.، & محمودی نژاد، ه. (۱۳۸۵). جستاری بر تقسیم بندی معماری معاصر ایران. آبادی، ۵۲.
۵. هومن، ع. (۱۳۸۶). شناخت روش علمی در علوم رفتاری. تهران: سمت.
۶. اردلان، ن.، & بختیار، ل. (۱۳۹۰). حس وحدت (سنت و تصوف در معماری ایران). (و. جلیلی، مترجم) تهران: علم معمار روایال.
۷. الکساندر، ک. (۱۳۹۰). معماری و راز جاودانگی. (م. قیومی بیدهندی، مترجم) دانشگاه شهید بهشتی.
۸. الکساندر، ک. (۱۳۹۲). سرشت نظم (نسخه دوم). (ر. سیروس صبری، & ع. اکبری، مترجم) پرهام نقش.
۹. دهقان، ن.، معماریان، ع.، محمدمرادی، ا.، & عبدی اردکانی، ح. (۱۳۹۰). پاییز و زمستان. مقایسه تطبیقی مفهوم عروج در مشترکات معنایی کهن الگوبا کالبد معماری، سال اول، شماره ۲. نشریه مطالعات تطبیقی هنر.
۱۰. سلطان زاده، ح. (۱۳۸۶). بازارهای ایران (نسخه چاپ ۴). تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۱۱. شعبانی، ح. (۱۳۸۵). مهارت‌های آموزشی و پرورشی. تهران: سمت.
۱۲. صادق پی، ن. (۱۳۸۸). بهار و تابستان. تأملی در معماری سنتی. مجله علمی و پژوهشی صفا، ص. ۷-۱۶.
۱۳. گلکار، ک. (۱۳۸۰). مولفه‌های سازنده‌ی کیفیت طراحی شهری. نشریه علمی پژوهشی صفا، ص. ۳۸-۶۵.
۱۴. گولد، ج.، & همکاران. (۱۳۷۶). فرهنگ علوم اجتماعی. (گ. مترجمان، تدوین) تهران: مازیار.
۱۵. نصر، س. (۱۳۸۰). معرفت و امر قدسی. (ف. ح. میرزایی، مترجم) تهران: نشر پژوهش فروزان روز.
16. Aydin, Dicle, Ter. & Ummugulsum. (2008, November). Outdoor Space Quality: Case study of A university Campus Plaza. Archnet-IJAR, 2(3), pp. 189-203.
17. Canter, D. (1977). The Psychology of Place. London: Architectural Press.
18. Carmona, M. (2003). Public Place Urban Space. The Dimension of Urban Design, Oxford: Architectural Press.
19. DETR, & CABE. (2000). by design: Urban design in the planning system: towards better practice. London: DETR publication.
20. Rio, V., Favero, M., Alegria, B., Santos, A., & Quintal, V. (2001). The permanence of urban form in construction of a place: Quality of design in a 1930s Residential in Rio de Janeiro, Brazil. In proceeding of the International Seminar on urban form University of Cincinnati.



توسعه پایدار در ارتباط با انسان و محیط زیست در راستای حفاظت از منابع

سعیده فیضی^۱، آرام فرشباف آذریان^۲

۱- دانشجوی دانشگاه آزاد اسلامی واحد عجب شیر
۲- عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد آذرشهر
Ar. farshbaf@yahoo.com

چکیده

با توجه به کمبود انرژی و مشکلات زیست محیطی و حفاظت از منابع بایستی ساختمان‌ها به گونه‌ای طراحی شوند که میزان استفاده از منابع جدید را تا حد ممکن کاهش داده و در پایان عمر مفید خود برای ساختن بنای جدید، خود به عنوان منبع جدید به کار روند. گرچه جهت‌گیری این اصل، همچون سایر اصول اشاره شده به سوی ساختمانهای جدید است، ولی باید یادآور شد که اغلب منابع موجود در جهان در محیط مصنوع فعلی بکارگرفته شده‌اند و ترمیم و ارتقاء وضعیت ساختمانهای فعلی برای کاهش اثرات زیست محیطی امری است که از اهمیت برابر با خلق سازه‌های جدید برخوردار است. هدف از طراحی ساختمان‌های پایدار کاهش آسیب بر روی محیط، منابع انرژی و طبیعت است. اساس روش مطالعات حاضر مرور مقالات، کتاب‌ها، سایت‌های اینترنتی و طرح‌های اجرا شده مرتبط با موضوع می‌باشد و نتایج بدست آمده از این بررسی‌ها حکایت از آن دارد که اهمیت دادن به زندگی انسان‌ها و حفظ و نگهداری از منابع در حال و آینده، کاربرد مصالحی که چه در هنگام تولید و یا کاربری و حتی تخریب با محیط خود همگن و پایدار باشند، حداقل استفاده از انرژی‌های سوختی و حد اکثر بکارگیری انرژی‌های طبیعی، حداقل تخریب محیط زیست، بهبود فیزیکی و روانی زندگی انسان‌ها و کلیه موجودات زنده و هماهنگی با محیط طبیعی فقط با رعایت اصول معماری پایدار قابل دسترسی می‌باشد.

کلمات کلیدی: معماری پایدار، محیط زیست، منابع

توسعه پایدار در ارتباط با انسان و محیط زیست
در راستای حفاظت از منابع
سعیده فیضی، آرام فرشباغ آذریان

صص ۱۹-۳۸

۱- مقدمه:

کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه (WCED) در سال ۱۹۸۷، توسعه پایدار را توسعه‌ای تعریف کرده است که ضمن برآوردن نیازهای نسل امروز، توانایی نسل‌های آتی را در برآوردن احتیاجاتشان به مخاطره نیفکند. بر طبق تعریف فوق اگر منظور از توسعه، گسترش امکانات زندگی انسان است پس ناگزیر باید با نگاهی به آینده ابعاد آن را ترسیم شود (صرافی، ۱۳۷۹، ص ۱۹۳). در سال ۱۹۹۲ در «کنفرانس زمین» توسعه پایدار چنین تعریف شد: رفع نیازهای نسل حاضر بدون مصالحه با نسل‌های آینده در باره نیازهای آن‌ها. کمیسیون جهانی محیط زیست، توسعه پایدار را این‌گونه تعریف کرد (عباس پور، ۱۳۸۶ ص ۴۵): «توسعه پایدار فرایند تغییری است در استفاده از منابع، هدایت سرمایه گذاری‌ها، سمت‌گیری توسعه تکنولوژی و تغییری نهادی است که با نیازهای حال و آینده سازگار باشد». کمیسیون «برانت لند» درباره توسعه پایدار می‌گوید: «توسعه پایدار به عنوان یک فرایند لازمه بهبود و پیشرفت است. فرایندی که اساس بهبود وضعیت و از میان برنده کاستی‌های اجتماعی، فرهنگی جوامع پیشرفته است و باید موتور محرکه پیشرفت متعادل، متناسب و هماهنگ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تمامی جوامع و به ویژه کشورهای در حال توسعه باشد».

تعاریف زیادی از توسعه پایدار وجود دارد اما دو تعریف زیر ماهیت این واژه را بیشتر روشن می‌سازد (willis، 2006: 25):

۱. ارتقای کیفیت زندگی در ضمن در نظر گرفتن ظرفیت تحمل محیط زیست ۲. پاسخ‌گویی به نیازهای نسل حاضر بدون آنکه توانایی و امکانات نسل‌های آینده برای تأمین نیازهایشان محدود شود. توسعه پایدار توسعه‌ای است که بتواند در دوره زمانی طولانی بدون اینکه خسارتی به محیط زیست وارد کند تداوم یابد. این برهان بر استفاده پایدار از منابع طبیعی به خصوص منابع تجدید نشدنی و همچنین بهره‌مندی انسان‌ها از آب سالم، بهداشت مناسب و حفاظت از جنگل‌ها و مراتع تأکید دارد. اگر چه در ظاهر امر، توسعه پایدار یک مفهوم زیست محیطی است، اما به نظر می‌رسد این بحث زمانی منطقی از کارآمدی برخوردار خواهد بود که چهار بعد توسعه اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی و فرهنگی با هم و در ارتباط متقابلشان مورد بحث قرار گیرد و توسعه پایدار بدون در نظر گرفتن هریک از این مؤلفه‌ها به توسعه‌ای ناپایدار مبدل می‌شود (ضرابی، ۱۳۸۰، ص ۲۳). نحوه نگرش توسعه پایدار نسبت به برنامه‌ریزی کاربری زمین به گونه‌ای می‌باشد که ضرورت توجه به شاخص‌های اجتماعی توصیه می‌گردد که از تأثیرات مهم به کارگیری شاخص‌های اجتماعی در برنامه‌ریزی کاربری زمین، دستیابی به معیارهای جامع‌تر و دقیق‌تر در مورد شناخت و ارزیابی نیازهای فضایی است که مفهوم و کاربردی وسیع‌تر از استانداردهای سرانه‌ی کاربردی زمین دارد (عزیزی، ۱۳۸۰، ص ۴۵). توسعه پایدار بر سه اصل عمده پایداری بوم شناختی، پایداری اجتماعی فرهنگی پایداری اجتماعی استوار است. پایداری بوم شناختی تضمین‌کننده آن است که توسعه با حفظ فرایندهای اساسی زیست محیطی، تنوع و منابع‌گونه‌های زیستی سازگار باشد (سینایی، ۱۳۷۴، ص ۱۳۴). پایداری فرهنگی اجتماعی تضمین می‌کند که توسعه با فرهنگ و ارزش‌های مردمی که متأثر از آن هستند سازگار بوده و هویت جامعه را حفظ کند. پایداری اقتصادی تضمین می‌کند که توسعه واجد کارایی اقتصادی بوده و منابع به ترتیبی اداره شوند که بتوانند پشتیبان نسل‌های آینده باشند. چون انسان به عنوان به عنوان مرکز توجهات توسعه پایدار معرفی شده است (عزیزی، ۱۳۸۰، ص ۱۱۴). توسعه دارای ابعاد مختلفی است. از جمله توسعه اقتصادی، توسعه

اجتماعی، توسعه فرهنگی، توسعه سیاسی، توسعه انسانی و موارد دیگر. هر کدام از این ابعاد جنبه‌های مختلفی از توسعه را در بر می‌گیرند. توسعه اقتصادی فرایندی است که در طی آن شالوده‌های اقتصادی جامعه دگرگون می‌شود. به طوری که حاصل چنین دگرگونی و تحولی در درجه اول کاهش نابرابری‌های اقتصادی و تغییراتی در زمینه‌های تولیدی، توزیع و الگوهای مصرف جامعه خواهد بود. توسعه اجتماعی و توسعه فرهنگی جنبه‌های مکمل و پیوسته یک پدیده‌اند و هر دو نوع الزاماً به ایجاد وجوه تمایز فزاینده جامعه منجر می‌گردد (صدوق، ۱۳۸۰، ص ۱۰). توسعه سیاسی فرایندی است که زمینه لازم را برای نهادی کردن تشکل و مشارکت سیاسی فراهم می‌کند که حاصل آن افزایش توانمندی یک نظام سیاسی است (قرخلو، ۱۳۸۵، ص ۱۸). توسعه انسانی روندی است که طی آن امکانات افراد بشرفزایش می‌یابد. هر چند این امکانات با مرور زمان می‌تواند به شکل اساسی دچار تغییر در تعریف شود، اما در کلیه سطوح توسعه، مسأله اساسی برای مردم عبارت است از: برخورداری از زندگی طولانی همراه با تندرستی، دستیابی به دانش و در نهایت توانایی نیل به منابعی که برای پدید آوردن سطح مناسب زندگی لازم است (قرخلو، ۱۳۸۵، ص ۲۲). برای این که بتوان توسعه را پایدار نامید، باید دارای چهار مشخصه باشد که عبارت است: از بهره‌وری، عدالت، انعطاف پذیری و ثبات. بهره‌وری در واقع یک معادله پویاست بین سیستم طبیعی و سیستم‌های اجتماعی - اقتصادی که تولید غذا و دیگر کالاها را برای مردم تضمین می‌کند، بدون این که برای سیستم ضرری داشته باشد. بهره‌وری ظرفیت جامعه برای استفاده یا تغییر شکل سیستم‌های طبیعی در تولید غذا و کالا با بازده بهینه را می‌سنجد. عدالت یعنی ظرفیت جامعه در توزیع عادلانه فرصت‌ها و تهدیدهایی که ناشی از کاربرد یا تغییر سیستم‌های طبیعی پیرامون هستند، مانند توزیع آن چه که از فرایند توسعه حاصل می‌شود. این اصطلاح در مورد توزیع ثروت در بین مردم نیز به کار می‌رود. انعطاف پذیری به ظرفیت جامعه در واکنش به فشارهای طبیعی یا تحمیلی یا ضربه‌های ناگهانی گفته می‌شود. انعطاف پذیری یعنی قابلیت سیستم برای ترمیم یا نگهداری سطح بهره‌وری در بی‌نظمی‌های کوتاه یا طولانی مدت. ثبات یعنی ظرفیت جامعه در ادامه استفاده یا تغییر فرایند سیستم‌های طبیعی بدون دگرگونی شدید (عزیزی، ۱۳۸۰، ص ۳۸۷). از نظر لامن و کاکس توسعه پایدار فرایند اصلاح و بهبود اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که مبتنی بر فناوری و همراه با عدالت اجتماعی باشد به طریقی که اکوسیستم را آلوده و منابع طبیعی را تخریب نکند. توسعه پایدار به معنی افزایش منابع انسانی (توانمندسازی جوامع به سمت افزایش توانمندی‌های اقتصادی، اجتماعی، فناوری و فرهنگی) است. همچنین توسعه پایدار نمی‌تواند بدون تفکر دقیق و در نظر داشتن امکان‌های انسانی اتفاق افتد نکته بارز این نظریه این است که توسعه پایدار را یک فرایند دیده است فرایندی پویا، پایدار و چند بعدی که بر فناوری و توأم با عدالت است بنابراین توسعه پایدار یک اتفاق یا رویداد نیست که یکباره اتفاق بیفتد، بلکه یک فرایند پویا و هدفمند است که در طول زمان و با برنامه‌ریزی تحقق می‌یابد و هدف آن ارتقاء سطح حیات انسان است و نیاز به هوشمندی، تجربه، شناخت و خلاقیت دارد. نکته مهم این نظریه توجه به عدالت اجتماعی است، یعنی توسعه پایدار باید در روند خود همواره عدالت اجتماعی را مد نظر قرار دهد و نابرابری‌های اجتماعی را از نظر فرهنگی و اقتصادی در مسیر خود بزداید. نکته غایی این تعریف افزایش منابع انسانی و توانمندسازی جامعه است. یعنی توسعه پایدار در فرایند خود باید منابع انسانی را افزایش دهد که انسان‌هایی آگاه، کارآمد و خلاق تربیت کند (اسلامی، ۱۳۸۱، ص ۴۵).

توسعه پایدار در ارتباط با انسان و محیط زیست
در راستای حفاظت از منابع
سعیده فیضی، آرام فرشباغ آذریان

صص ۱۹-۳۸

پس از یک قرن تجربه معماری مدرن، با وجود دستاوردها و تحولات با ارزش آن، مشکلات پیچیده‌ای در عرصه محیط زیست رخ می‌دهد. وضعیت جهان در آغاز قرن ۲۱ میلادی، به یک توسعه ناپایدار گواهی می‌دهد که از مشخصه‌های آن رشد جمعیت، افزایش مصرف و توزیع نامتعادل منابع می‌باشد. رشد جمعیت همانند سبک زندگی غربی تحمیل بزرگی بر محیط طبیعی است که در زمان ما منجر به تغییرات آب و هوایی، حفره در لایه اوزون، زوال گونه‌ها و سکونت گاه‌های طبیعی گردیده است که نتیجه آن تغییر فرهنگ مصرف و تغییر رویکرد انسان نسبت به طبیعت می‌باشد. به دنبال این تغییرات، مفهوم تازه‌ای با عنوان توسعه پایدار مطرح شده و در نتیجه به دلیل نقش مهم محیط ساخته شده در جریان توسعه پایدار، معماری پایدار مورد توجه صاحب نظران قرار می‌گیرد. یکی از سه حوزه مهمی که توسعه پایدار روی آن تأکید دارد، مسائل محیطی است. وظیفه معماران در این حوزه، بسیار خطیر و حساس است؛ چرا که معماران، به صورت مستقیم و غیر مستقیم مسئول ۷۵٪ تغییر آب و هوا هستند (Rogers, 2005: 16)؛ بنابراین می‌بایست معماران با نگاه تازه‌ای نسبت به طبیعت، به دست اندازی در آن بپردازند. دهه‌ها از مطرح شدن معماری پایدار می‌گذرد و راه کارهای بسیاری، توسط معماران، برای حل بحران‌ها ارائه شده است، ولی همچنان مشکلاتی در سر راه ایجاد معماری پایدار وجود دارد. به نظر می‌رسد که بجز با رفع نواقص تئوریک معماری پایدار، نمی‌توان آن را تداوم بخشید. پایداری لغتی است که جنبه‌های پیچیده بسیاری را شامل می‌شود. امروزه، از لغت پایداری در جامعه بسیار مورد استفاده و توجه می‌باشد، اما معنی درست این لغت و مفاهیم آن برای معماران هنوز کاملاً مشخص نبوده و تعریف واضحی ندارد. پایداری با توجه به شعارهای مبنایی‌اش که فراگیر است و مسئله حفظ زمین را هدف قرار می‌دهد، برای دستیابی به راه کارهای واقع بینانه و قابل اجرا از یکسو و حمایت از گوناگونی که در نفس طبیعت موجود است از سوی دیگر، رویکردهایی را توصیه می‌کند. از آنجایی که هیچ روش یا توصیه قطعی درباره معماری پایدار وجود ندارد (Munier, 2005: 1)، بنابراین توجه به مباحث و نظریه‌های بیان شده در این زمینه جهت آگاهی معماران ضروری به نظر می‌رسد. در این مقاله سعی شده است نظرات گوناگون درباره توسعه و معماری پایدار مطرح گردد تا جنبه‌های مختلف عوامل اساسی معماری پایدار استخراج گردد.

۲- تاریخچه معماری پایدار:

بیشترین دغدغه کاری اولین حامیان پایداری، که بطور جدی در دهه ۶۰ میلادی با آن برخورد کردند: ۱- حفظ محیط زیست از ضایعات صنعتی ۲- هماهنگی مصنوعات ساخته شده با طبیعت ۳- حفظ تعادل اکولوژی و غیره بود. با گذشت سه دهه، حیطه معانی واژگان مذکور به کل تغییر پیدا کرد و حامیان با یک نگرش مثبت تراز قبل و با دید کل نگر به روابط اجتماعی، تعامل بین نیروها و با چشم اندازی به آینده و تحولات تکنولوژی، به موضوع می‌نگرند. نام‌گذاری روزی به خاطر زمین با عنوان «روز زمین»، در ژوئن سال ۱۹۷۰ میلادی، حادثه مهمی بود که در تاریخ جنبش‌های سبز به وقوع پیوست. این رویداد تاریخی تا نگرانی‌های اکولوژی که در دهه ۶۰ میلادی مطرح شده بود، پررنگ‌تر گردید. این امر، بویژه دو سال بعد یعنی در زمانی که منابع سوخت فسیلی خاور میانه کاهش یافت و قیمت آن به طور قابل ملاحظه‌ای افزایش پیدا کرد، اهمیت بیشتری یافت. به این ترتیب، در پی اعتراض همگانی، تلاش‌های فراوانی از

سوی مجامع دست اندر کار محیط زیست آغاز گردید. موضوعات زیست محیطی مطرح شده در اولین گردهمایی «روز زمین» بیانگر این واقعیت بود که کاهش منابع، رشد جمعیت و محدود شدن زمینهای کشاورزی، نتیجه‌ای جز قحطی جهانی، آلودگی آب و هوا، سوراخ شدن لایه ازن و متعاقبا به وجود آمدن شرایط گلخانه‌ای در جو زمین، در بر نخواهد داشت حقیقتی که امروز برای ما بسیار ملموس و مشهود است. در اولین گردهمایی «روز زمین»، اساسا به جای اکولوژی، موضوع «تداوم پذیری، پایداری» بیشتر مورد توجه قرار گرفته و بر اهمیت درک و شناخت این مفهوم برای آیندگان، به ویژه مسئولان این امر، تاکید شده بود. اولین کاربرد واژه «پایداری» در ارتباط با محیط زیست، در سال ۱۹۸۰ میلادی و در مقالاتی با عنوان «استراتژی حفاظت از جهان» که توسط «سازمان بین المللی حفاظت از طبیعت» منتشر گردید، برای همگان روشن شد. یکی از مفاهیم کلیدی این جنبش که تأثیر بسزائی در معماری داشت، بحث «توسعه پایدار» بود. واژه «پایدار» در مقابل ترجمه واژه انگلیسی «sustainable» است. واژه «sustainable» از فعل «sustain» به معنی «نگهداشتن» و یا «نگهداری کردن» گرفته شده است. تعاریفات زیادی در مورد مفهوم پایداری «توسعه پایدار» از طرف کمیسیونهای جهانی و یا اندیشمندان گروه سبز پیشنهاد شده، ولی آنچه مهم است، تعریف جامعی از توسعه پایدار در دست نیست. در زیر به اهم این تعاریف اشاره می‌شود:

۱- در توسعه‌ی پایدار انسان در مرکز توجه است، انسانهای هماهنگ با طبیعت سزاوار حیات توأم با سلامت و سازندگی هستند.

۲- توسعه حقی است که باید به صورت مساوی نسل‌های کنونی و آینده را پوشش دهد.

۳- حفاظت از محیط بخش جدانشدنی از توسعه است و نمی‌تواند به صورت جداگانه بررسی شود.

تعریف کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه: تامین کردن نیازهای کنونی بدون لطمه زدن به توانایی نسل‌های آینده برای برآوردن نیازهای خاص خود؛

تعریف کمیسیون براندتلند: آن نوع توسعه‌ای که بتواند نیازهای کنونی را بدون از دست دادن توانائی‌های نسل‌های آینده در تامین نیازهایشان تامین کند؛

تعریف توسعه جهانی حفاظت: بهبود کیفیت زندگی انسان در چهارچوب ظرفیت برد اکوسیستم‌های حامی

به طور کلی مفاهیم توسعه‌ی پایدار در سه حیطه دارای مضامین عمیقی است:

۱- پایداری محیطی ۲- پایداری اقتصادی ۳- پایداری اجتماعی

۳- مفاهیم پایداری و توسعه پایدار:

فرایندی است که در آن، سیاست‌های اقتصادی، مالی، تجاری، انرژی، کشاورزی، صنعت و سایر سیاست‌ها، به نحوی طراحی می‌شوند که موجب توسعه‌ای است که از لحاظ اقتصادی، اجتماعی و اکولوژیکی پایدار می‌باشد و مفهوم آن انجام سرمایه‌گذاری به قدر کافی در زمینه آموزش، بهداشت، جمعیت و انرژی است، به طوری که بدهی اجتماعی برای نسل‌های آینده به وجود نیاید. توسعه پایدار به مدل‌هایی توجه دارد که مربوط به مواد تجدید شونده بوده و به تنوع فرهنگی احترام می‌گذارد. چنین مدل‌هایی محدودیت محیط زیست را مورد شناسایی قرار می‌دهند. توسعه پایدار یک مفهوم جامع داشته و به تمام جنبه‌های زندگی انسان مربوط می‌شود.

(به نقل از: کیم، ۱۳۸۲: ۷؛ بحرینی و مکنون، ۱۳۸۰: ۴۴؛ پرانک و الحق، ۱۳۸۰: ۸۷). توسعه پایدار، یک ایده و اصطلاح بسیار گسترده است که معانی متفاوت و بسیاری دارد و در نتیجه فراوانی این معانی، واکنش‌های مختلف صاحب نظران را برمی‌انگیزاند

مفهوم توسعه پایدار، یک نوع تلاش برای ترکیب مفاهیم در حال رشد حوزه‌ای از موضوعات محیطی با موضوعات اجتماعی-اقتصادی می‌باشد مفهوم توسعه پایدار یک تغییر مهم در فهم رابطه انسان و طبیعت و انسان‌ها با یکدیگر می‌باشد. این مسأله با دیدگاه دو قرن گذشته انسان که بر پایه جدایی موضوعات محیطی و اجتماعی و اقتصادی شکل گرفته بود در تضاد است. در دو قرن گذشته، محیط به طور عمده به عنوان یک موضوع خارجی نسبت به بشر، تلقی می‌شده است و در نتیجه برای استفاده و استثمار انسان، مشکلات محلی اساساً به صورت محلی دیده می‌شدند. در این دیدگاه، ارتباط انسان و محیط، به صورت غلبه انسان بر طبیعت درک می‌شد و باور داشتند که دانش و فن‌آوری بشر می‌تواند بر تمام موانع محیطی و طبیعی فائق آید. این دیدگاه مرتبط با توسعه سرمایه داری، انقلاب صنعتی و علم مدرن می‌باشد. همان طور که بیکن یکی از پایه گذاران علم مدرن، آن را مطرح می‌کند: «جهان برای بشر ساخته می‌شود و نه بشر برای جهان» (فلامکی ۱۳۸۱: ۳۰۰) مدیریت محیطی بر پایه مدیریت منابع طبیعی بود که تصدیق می‌کرد، بشر نیاز به منابع طبیعی دارد و این منابع می‌بایست به جای استفاده سریع و بدون برنامه، مدیریت شوند تا حداکثر استفاده در سالیان طولانی از آنها مقدور باشد. همچنین علم اقتصاد بر موضوع ارتباط انسان و رشد اقتصادی حاکم گردد، که در نتیجه آگاهی و توسل به آن افزایش تولیدات، به عنوان اولویت، تعریف می‌گردد. این نگرش، کلیدی بود برای ایجاد رفاه در زندگی بشر و از طریق رشد اقتصادی، فقر و تهیدستی می‌توانست مغلوب گردد. مفهوم توسعه پایدار، حاصل رشد آگاهی از پیوندهای جهانی، مابین مشکلات محیطی در حال رشد، موضوعات اجتماعی، اقتصادی، فقر و نابرابری و نگرانی‌ها درباره یک آینده سالم برای بشر می‌باشد. توسعه پایدار، قویا موضوعات محیطی، اجتماعی و اقتصادی را به هم پیوند می‌دهد. (Hopwood, et al. 2005: 38-39) که از زمان کنفرانس سازمان ملل با عنوان توسعه و محیط در سال ۱۹۹۲ میلادی در ریو برگزار شد، عنوان «توسعه»، یکی از حساس‌ترین و مهم‌ترین کلمات در مباحثات شده است (Adams, 2001: 1-2). در پشت این عنوان، مفاهیمی واقع شده‌اند؛ از یک طرف، تلاش در جهت حل مسائل محیطی، علوم طبیعی اکولوژیکی و نگرانی درباره حفاظت طبیعت، و از سویی دیگر، مشکلات فقر و فلاکت جهان سوم. (Adams, 2001: 51) توسعه پایدار، در کمیسیون استراتژی حفاظت جهان (WCS) که توسط اتحادیه بین‌المللی برای حفاظت طبیعت (در سال ۱۹۸۰ میلادی تشکیل شده بود، مدون گردید. به علاوه، WCS)، با این موضوع توسط کمیته جهانی توسعه و محیط (عناوین آینده مشترک ما، در سال ۱۹۸۷ میلادی و حفظ زمین در سال ۱۹۹۱ میلادی، نیز مطرح گشته است. در سال ۱۹۸۷ میلادی، کمیته جهانی توسعه و محیط، «آینده مشترک ما»، را گزارش کرد (که البته به عنوان گزارش برون‌تولد نیز شناخته می‌شود). این گزارش یک تعریف جامع از توسعه پایدار ارائه داد. بنابراین با توجه به گزارش برون‌تولد: بشریت توانایی توسعه پایداری را دارد تا تضمین کند که نیازهای حال را بدون به خطر افتادن توانایی نسل‌های آینده برای تأمین نیازهایشان، فراهم نماید. پایداری را نوعی نگرش به برخی دیگر، نظیر آلن فریکر آینده می‌دانند که در واقع نقشه مسیری می‌باشد که بر روی مجموعه‌ای از ارزش‌ها و اصول اخلاقی و معنوی متمرکز است و رفتارهای انسان را کنترل می‌نماید (Munier, 2005: 10) در NRC انتشار یافت توسط گروه سال ۱۹۹۹ میلادی کتابی که در فصل‌های ششگانه آن، به شکلی مستند و با دیدگاه وسیع به تمامی پدیده‌ها و عوامل و نیز رویدادهایی پرداخته شده که سرانجام محیط زیست انسانی را باز می‌شناساند. در فصل چهارم

کتاب که به حرکت‌های همگانی و الزام‌های ملموس محیطی پرداخته می‌شود، از جمله به شهر با عنوان مکانی توجه داده می‌شود که تمامی داده‌ها و یافته‌های محیطی، درون آن، حد نهایی تراکم، تعامل و بحران را می‌نمایانند. توسعه پایدار حالت ثابتی از هماهنگی نیست، بلکه نسبتاً یک فرآیند تغییر در چیزی است که استخراج از معادن، جهت سرمایه‌گذاری، جهت‌گیری توسعه تکنولوژیکی و تغییر نهادی را سازگار با نیازهای آینده، همانند نیازهای امروز می‌سازد. این تعریف توسعه پایدار شامل دو عامل تعیین‌کننده است: اول آنکه این تعریف علاوه بر اینکه مفهوم نیازها را قبول می‌کند، به ویژه نیازهای اولیه‌ای چون: غذا، لباس و پناهگاهی برای زندگی انسان در عین حال به نیازهای دیگری که یک روش راحت و معتدله برای زندگی را فراهم می‌نماید نیز توجه دارد. ثانیاً، مفهوم سازگاری تقاضای منابع فن‌آوری و سازماندهی اجتماعی با توانایی محیطی برای تأمین نیازهای حال و آینده را می‌پذیرد (Williamson, et al. 2003: 5, 4). از آنجایی که مشکلات محیطی، اغلب در مکانیسم‌ها، ساختارها و ارگانیزم‌ها پنهان شده‌اند، جستجوی اثرشان پس از نمود واقعی، بسیار به تأخیر می‌افتد.

۴- اهداف توسعه پایدار در رابطه با مسائل محیطی

۱- تغییر رابطه انسان و طبیعت-۲- طراحی نقشه مسیری که بر روی مجموعه‌ای از روش‌ها و اصول اخلاقی، متمرکز است. ۳- فرآیند تغییر در استخراج معادن-۴- ایجاد ساختمانهایی با مصرف حداقل انرژی، انعطاف‌پذیر و با عمر طولانی-۵- ایجاد ساختمانهایی کارا بر اساس ضوابط محیطی: توجه به مصرف بهینه انرژی و طراحی اقلیمی-۶- ایجاد ساختمانهایی با بکارگیری فن‌آوریهای محیطی و در نظر گرفتن محتوای فرهنگی اجتماعی و محلی: در نظر گرفتن محتوای فرهنگی اجتماعی بومی به منظور به کارگیری فن‌آوری‌های محیطی

۵- تعاریف ساخت و ساز پایدار:

ساخت و ساز پایدار این چنین تعریف شده است: «مدیریت یک محیط پاک و سالم بر اساس بهره‌برداری مؤثر از منابع طبیعی و اصول اکولوژیکی» که هدف از طراحی ساختمانهای پایدار کاهش آسیب آن بر روی محیط و منابع انرژی و طبیعت است، که شامل قوانین زیر می‌باشد. قوانین مشمول طراحی ساختمانهای پایدار عبارت است از: ۱- کاهش مصرف منابع غیر قابل تجدید ۲- توسعه محیط طبیعی ۳- حذف یا کاهش مصرف مواد سمی و یا آسیب رسان بر طبیعت در صنعت ساختمان سازی بطور خلاصه ساختمان پایدار را می‌توان این چنین تعریف نمود:

ساختمانی که کمترین ناسازگاری و مغایرت را با محیط طبیعی پیرامون خود و در پهنه وسیع‌تر با منطقه و جهان دارد.

تکنیک‌های ساختمان سازی در یک پهنه وسیع در جهت تأمین کیفیت یکپارچه از نظر اقتصادی، اجتماعی و محیطی می‌کوشند. بنابراین استفاده معقول از منابع طبیعی و مدیریت مناسب ساختمان سازی به حفظ منابع طبیعی محدود و کاهش مصرف انرژی کمک نموده (محافظت انرژی) و باعث بهبود کیفیت محیطی می‌شود (تزیین کیت ۱۳۸۶: صص ۳۸-۴۰)

۵-۱ اهداف کلی ساختمان‌های پایدار:

۱- بهره‌برداری مناسب از منابع و انرژی ۲- جلوگیری از آلودگی هوا ۳- مطابقت با محیط

توسعه پایدار در ارتباط با انسان و محیط زیست
 در راستای حفاظت از منابع
 سعیده فیضی، آرام فرشباغ آذریان

صص ۱۹-۳۸

۵-۲ اصول توسعه ساخت و ساز پایدار:

برای ایجاد تعادل میان سطوح تنوع زیستی، سه اصل توسعه صنعت ساخت و ساز پایدار که در جهت و حفظ تنوع زیستی در شهر باید رعایت شوند، به شرح زیر است:

- ۱- استفاده پایدار از منابع زیستی: بدین معنا که باید دقت شود که منابع زیستی بهره‌برداری شده در سامانه‌های توسعه در کجا استفاده می‌شوند، و چگونه می‌توان آنها را پایدار نگهداشت، و از منابعی که سریعتر جایگزین می‌شوند استفاده شود. به عنوان مثال؛ کاربرد معقول از چوب (به عنوان یک منبع تجدید ناپذیر) باعث می‌شود که به اصل منبع لطمه‌ای نخورده و امکان جایگزینی آن در طبیعت وجود داشته باشد، و حتی در نوع رنگی که در آن بکار برده می‌شود از موادی که کمتر که برای محیط زیست ضرر دارد استفاده شود ضمن از چوب درختهایی باید استفاده شود که سریعتر رشد کرده و می‌توانند جایگزین شوند. همچنین از منابع متنوع استفاده کرد، که نوع خاصی از بین نرود، و یا مثلاً مساحت جنگلها را مقدار ثابتی نگهداشت و از مقدار معینی کمتر نشوند، و یا از گونه خاص موجودی به علت منافع اقتصادی حمایت نشوند ۲- استفاده از منابع تجدید ناپذیر: استفاده عاقلانه از منابع غیر قابل تجدید باید به طور گسترده اعمال شود. به عنوان مثال؛ استفاده از منابع فسیلی برای سوخت غیر عاقلانه است. ۳- حفاظت از تنوع زیستی: از منابع زیستی به خوبی نگهداری شود، و مشارکت افراد جامعه در جهت بقاء و تنوع زیستی موجود الزامی باشد. طوری از سامانه استفاده شود که همه اجزاء خود حافظ مجموعه باشند. مردم به طور صحیح از منابع محیطی بهره گیرند، و به آنها آموزش داده شود که از هر محصول یا منبعی در جای خود و به صورت بهینه استفاده کنند. مثلاً در مورد مبلمان شهری، استفاده صحیح از آن به مردم آموزش داده شود. و با اندک نقصی به کنار گذاشته نشوند، بلکه تعمیر و یا در غیر این صورت به محصولی دیگر تبدیل و یا در نهایت مواد اولیه آن بازیافت شود. (گرچی مهبلانی، ۱۳۸۹: ص ۳۹)

۶- طراحی پایدار و اصول اولیه آن:

طراحی پایدار همکاری متفکرانه معماری با مهندسی مکانیک، برق و سازه است. علاوه بر فاکتورهای متداول طراحی مانند زیبایی، تناسب و بافت و سایه و نور و امکاناتی که باید مد نظر قرار گیرند، گروه طراحی باید به عوامل طولانی مدت محیطی، اقتصادی و انسانی توجه نموده و اصول اولیه آنرا که به قرار زیر است، مد نظر قرار دهد:

- ۱- درک محیط: طراحی پایدار با درک از محیط آغاز می‌شود. اگر ما به امکانات محیطی که در آن هستیم آگاه باشیم می‌توانیم از صدمه زدن به آنها جلوگیری کنیم. درک محیط باعث مشخص شدن مراحل طراحی از جمله جهت قرارگیری نسبت به خورشید و چگونگی قرارگیری ساختمان در سایت و حفظ محیط پیرامون و دسترسی سیستم نقلیه و پیاده می‌گردد

- ۲- ارتباط با طبیعت: چه ساختمان در داخل محیط شهری باشد و چه در یک محیط طبیعی‌تر، ارتباط دادن طبیعی به محیط طراحی شده روح و جان می‌بخشد. درک روندهای موجود در طبیعت: در سیستم موجود در طبیعت زباله موجود نیست. لاشه یک موجود، غذای یک موجود دیگر می‌شود. به بیان دیگر موجب احترام بشربه نیازهای انواع گونه‌های طبیعی می‌گردد. روندهایی که باعث احیای می‌شوند تا ضایع کردن، به بیشتر زنده ماندن ما می‌انجامند.

- ۳- روند مشارکتی طراحی: طراحان پایدار، اهمیت توجه به هر نظری را می‌دانند. همکاری با مهندسين مشاور و متخصصين ديگر در مراحل اوليه طراحی صورت

می پذیرد. طراحان همچنین به نظرات ساکنین محلی و همسایگان محلی نیز توجه می کنند.

۴- درک مردم: طراحان پایدار باید به فرهنگ و دین و نژاد مردمی که قرار است برای آنها طراحی کنند، توجه کنند.

بنابراین معماری پایدار ترکیبی چند ارزشی در بردارد: زیبایی شناسی- محیط- اجتماع- سیاست- و عبارتی طراحی و ساختمان سازی هماهنگ با محیط یک معمار باید زیرکانه چند فاکتور را در نظر بگیرد: مقاومت و پایداری و طول عمر- مصالح مناسب- مفهوم و کانسپت.

تمام اصول معماری پایدار باید در یک پروسه کامل که منجر به ساخته شدن محیط زیست سالم می شود تجسم یابد.

از جمله اصولی که شناخت و مطالعه آنها معمار را به درک بیشتر از محیطی که باید طراحی آن را انجام دهد، می رساند عبارتند از ۱- صرفه جویی در منابع ۲- طراحی برای بازگشت به چرخه زندگی ۳- طراحی برای انسان که هر کدام آنها استراتژی های ویژه خود را دارند. (قبادیان و مهدوی، ۱۳۸۹: ص ۴۴).

۱- مرحله صرفه جویی در منابع: این اصل از یک سو به بهره برداری مناسب از منابع و انرژی های تجدیدناپذیر مانند سوخت های فسیلی، در جهت کاهش مصرف می پردازد و از سوی دیگر به کنترل و به کارگیری هر چه بهتر منابع طبیعی به عنوان ذخایر تجدیدپذیر و ماندگار توجه جدی دارد به عنوان مثال، یکی از منابع سرشار و نامیرا، انرژی حاصل از نور خورشید است که امروزه توسط تکنولوژی فتوولتائیک برای فراهم کردن آب و برق مصرفی در ساختمان، از آن استفاده می شود برای کنترل منابع، سه نوع استراتژی می تواند مورد توجه قرار گیرد که شامل حفظ انرژی، حفظ آب و حفظ مواد است. همان گونه که مشاهده می شود، تمرکز بر این سه منبع، به دلیل اهمیت آنها در ساخت و اداره ساختمان است. ۲- مرحله بازگشت به چرخه زندگی: دومین اصل از معماری پایدار بر این فکر و یا نظریه استوار شده است که ماده از یک شکل قابل استفاده تبدیل به شکل دیگری می شود، بدون اینکه به مفید بودن آن آسیبی رسیده باشد از سوی دیگر به واسطه این اصل، یکی از وظایف طراح، جلوگیری از آلودگی محیط است. این نظریه برای رسیدن به این منظور در سه مرحله، ساختمان را مورد بررسی قرار می دهد.

مرحله پیش از ساخت- مرحله در حال ساخت و مرحله پس از ساخت. باید توجه داشت که این مراحل به یکدیگر مرتبط بوده و مرز مشخصی بین آنها وجود ندارد. برای مثال، می توان از مواد بازیافتی در مرحله پس از ساخت یک ساختمان به عنوان مصالح اولیه در مرحله ساخت ساختمانی دیگر استفاده کرد ۳- مرحله طراحی برای انسان: اصل طراحی برای انسان، آخرین و شاید مهمترین اصل از معماری پایدار است. این اصل ریشه در نیازهایی دارد که برای حفظ و نگهداری عناصر زنجیره ای اکوسیستم لازم است که آنها نیز به نوبه خود بقای انسان را تضمین می کنند. این اصل دارای سه استراتژی نگهداری از منابع طبیعی، طراحی شهری- طراحی سایت و راحتی انسان است که تمرکزشان بر افزایش همزیستی بین ساختمان و محیط بیرون از آن و بین ساختمان و افراد استفاده کننده از آنهاست.

۶-۱- اصول طراحی پایدار:

طراحی پایدار همکاری متفکرانه معماری با مهندسی سازه، برق و مکانیک است. علاوه بر فاکتورهای متداول طراحی مانند زیبایی، تناسب و بافت و سایه و نور و امکاناتی که

باید مد نظر قرار گیرند، گروه طراحی باید به عوامل طولانی مدت محیطی، اقتصادی و انسانی توجه نموده و اصول اولیه آنرا که به قرار زیر است، مد نظر قرار دهد؛ الف) گوناگونی و تنوع ب) اقلیم و آب و هوا ج) پوشش ساختمان ها د) احیا هویت فرهنگی و منطقه ای ه) حجم ساختمان ها و جانمایی فضاهای داخلی ساختمان و) مصالح ساختمانی ز) برآورد نیازهای انسان ح) هماهنگی با بستر ط) توجه همزمان به همه اصول.

الف) گوناگونی و تنوع: تنوع و گوناگونی از عواملی است باعث تساوی و عدالت بیشتر در هر سیستمی می شود که از اساسی ترین اهداف توسعه پایدار نیز هست. یک اصل معروف در میان زیست شناسان و محیط شناسان وجود دارد که در آنها حیات وجود دارد اگر دارای تنوع و گوناگونی بیشتری باشند در مقایسه با مناطقی که یکنواخت هستند سلامت ترند. در ارتباط با مسائل شهری نیز این امر صادق است محله های شهری که در آن همسایگی ها دارای کاربری یکسان هستند باعث بالا رفتن نیاز ساکنین به اتومبیل و بیشتر شده و مصرف بیشتر انرژی و کاهش کیفیت هوا را در پی دارد در حالیکه با طراحی کاربری های متفاوت در همسایگی ها در یک بافت مشخص تا ۴۴ درصد از هزینه های مصرف کنندگان و شهرداری ها کاسته خواهد شد و همچنین آلودگی هوا نیز تا ۴۵ درصد کاهش می یابد.

ب) اقلیم و آب و هوا: معماری هر عصر و هر منطقه ای، دانستن چگونگی مطابقت ساختمان با اقلیم خاص آن منطقه، و از مباحث مهم در معماری می باشد. در واقع طراحی اقلیمی، روشی است برای کاهش همه جانبه هزینه انرژی یک ساختمان و عوامل اقلیمی موثر بر یک بنا شامل تابش آفتاب، دما، رطوبت، باد و بارندگی می باشد که شناخت هر یک و کنترل آن در طراحی، اولین قدم محسوب می گردد. در این راستا توجه و رجوع به راهکارهای بومی در معماری گذشته هر منطقه بسیار کار ساز خواهد بود. این اصل بیشترین تأثیر را در جهت گیری ساختمان دارد که شامل توجه به سه عنصر اصلی طبیعت است:

- **خورشید:** که تأثیر روی جهت گیری ساختمان دارد. کشیدگی ساختمان در راستای محور شرقی-غربی حرارت اکتسابی از خورشید را به حداکثر می رساند. همچنین توجه به گردش سالیانه، ارتفاع خورشید در هنگام طراحی سطوح دیوارهای خارجی و جانمایی پنجره ها و سایه بانها و... موثر است.
- **باد:** شکل حجمی ساختمانها باید به گونه ای باشد که در اقلیم های سرد جریان باد سرد را هدایت کند و در اقلیم های گرم باد خنک را به داخل خانه هدایت نماید.
- **المان های سبز مانند درختان و گیاهان:** می توانند ساختمان را از حرارت های مازاد خورشید و بادهای مزاحم حفاظت نماید و در تهویه هوای داخلی نیز موثر می باشند.

ج) پوشش ساختمان ها جرم حرارتی مصالح ساختمانی: جرم حرارتی بالاتر در مورد دیوارها و سقف ها باعث بالا رفتن زمان انتقال حرارت بین فضای داخلی و خارجی می شود. استفاده از پوشش های دوجداره که می تواند باعث شود که بیشترین حرارت خورشید در روز بدست آمده و در شب مصرف شود.

ج-۱ رنگ: رنگ سطوح خارجی بر حرارت اکتسابی از خورشید موثر است.

رنگ‌های روشن برای اقلیم‌های گرم و رنگ‌های تیره و مواد جذب‌کننده برای اقلیم‌های سرد ترجیح داده می‌شوند. در مناطق سردسیر، تلاش می‌شود تا سطح خارجی خانه‌ها به رنگ تیره و از جنسی باشد که جذب بالایی دارد. در این مناطق سطح دیوارهای رو به آفتاب بیش‌ترین مقدار را دارد و جهت‌گیری ساختمان به گونه‌ای انتخاب می‌شود که در زمستان، سطوح بیش‌تری در معرض تابش قرار گیرد

ج-۲ پنجره: نوع، جنس و ابعاد و مکانیابی پنجره تأثیر بسزایی در حرارت اکتسابی خورشید دارد. همچنین نوع شیشه و پرفیل انتخابی که امروزه دارای تکنولوژی پیشرفته‌ای هست هر چند نیازمند سرمایه اولیه بیش‌تری است اما در درازمدت باعث کاهش هزینه‌های انرژی مصرفی ساختمان می‌گردد.

ج-۳ ابزار سایه اندازی: برآمدگی‌ها و برون زدگی‌های بام ساختمان، سایه بانها، سابات‌ها و پرده‌ها از ابزاری است که به این منظور و برای جلوگیری از دریافت حرارت غیرضروری خورشید می‌تواند جانمایی و استفاده گردد.

د) احیا هویت فرهنگی و بومی: ایجاد فرهنگ پایدار، نیازمند زنده کردن احساس اجتماعی، ارتباط و آمیزش با دنیا طبیعی است. در معماری پایدار، باید به مردم مجال بروز قابلیت‌های کامل خود را داد تا خودشان را دریابند و در ارتباط با دیگران به درکی عالی از بشریت برسند و به این ترتیب، ارتباط خود با گذشته و آینده را باز یابند. دز این رابطه توجه به شیوه‌های معماری بومی موجود راهگشا هستند چرا که اغلب آنها جوابگوی اقلیم و فرهنگ منطقه می‌باشند. ضمناً توجه به این مسئله در طراحی، در بالا بردن احساس مکان در هر شخصی که در آن واقع شود موثر بوده و نقش دارد. استفاده از مصالح بوم آورد تا حد امکان - استفاده از کارگران و تکنیک‌های محلی - استفاده از المان‌ها و نمادهای بومی - متأثر از روح محلی - که جوابگوی ویژگی‌های اقلیمی منطقه نیز می‌باشند.

ه) حجم ساختمان‌ها و جانمایی فضاهای داخلی ساختمان

ه-۱ نسبت کمترین سطح بیرونی به حجم (VSR): نسبی است معادل حجم کلی ساختمان تقسیم بر مساحت کلی دیوارهای خارجی ساختمان. به طور کلی یک VSR بالا نشان دهنده یک هندسه ساختمانی با راندمان خوب است. یعنی هندسه ساختمان به گونه‌ای باشد که سطوح خارجی حداقل مقدار ممکنه باشد و حجم فضای داخلی ساختمان حداکثر مقدار ممکنه باشد. از لحاظ ریاضیاتی بهینه‌ترین حالت VSR برای شکل هندسی کره است؛ بنابراین می‌توان نشان داد که هر ساختمانی با ارتفاع بلندتر از نصف اضلاع سطح زیربنایش پرهزینه‌تر و کم راندمان‌تر از ساختمان خواهد بود که ارتفاع آن مساوی و یا کوچکتر از نصف اضلاع زیربنایش است.

ه-۲ نسبت سطح به محیط (APR): عبارت است از مساحت یک طبقه تقسیم بر محیط آن طبقه یا به عبارت دیگر مساحت طبقه بر واحد طول دیوارهای محیطی هر چه این مقدار بزرگتر باشد راندمان انرژی ساختمان بیش‌تر خواهد بود. یک ساختمان مدور یا چهارگوش بهترین APR را خواهد داشت.

ه-۳ طرح بندی فضای داخلی برای بهره‌گیری از فواید سرمایش طبیعی: این گزینه شامل تطبیق ساختمان با شرایطی است که بتواند بیش‌ترین نسیم ملایم

توسعه پایدار در ارتباط با انسان و محیط زیست
در راستای حفاظت از منابع
سعیده فیضی، آرام فرشباغ آذریان

صص ۱۹-۳۸

تابستانی را بدست آورد. در این میان جانمایی مناسب پنجره‌ها این باده را به گردش در می‌آورد. مشروط بر اینکه محورهای هدایت‌کننده هوا به عمودی یعنی سقف‌ها و گنبدها و... در هدایت هوای مصرف شده و تهویه آن به صورت موثر عمل کرده و طراحی شوند.

۴-۴ طرح بندی فضاهای داخلی برای بهرگیری از حرارت خورشید: استفاده از مصالحی با ظرفیت حرارتی بالا برای جذب و نگهداری حرارت در پوشش دیوارها یا استفاده از سطوح بزرگ با پنجره‌های بزرگ در ضلع جنوبی برای دریافت بیشترین حرارت خورشید موثر است. نماهای شرقی با پنجره‌های بزرگ باعث بالا رفتن حرارت اکتسابی ساختمان در طول ساعات صبح می‌گردد و سایه اندازی و پنجره‌های کم در جبهه‌های غربی مانع می‌شود که حرارت مازاد در ساعات بعد از ظهر بدست آید.

۵-۵ طرح بندی فضاهای برای بهرگیری از بیشترین نور طبیعی: این گزینه عبارت از استفاده از یک نور طبیعی به جای استفاده از نورهای الکتریکی است که موجب کاهش انرژی مصرفی ساختمان می‌گردد. پنجره‌های سقفی و کفی و روزنه‌ها و پنجره‌های دیواری می‌توانند ابزاری در جهت هدایت نور طبیعی به صورت مستقیم یا غیرمستقیم به داخل ساختمان باشند که بستگی به کیفیت مطلوب نور و همچنین عملکرد فضای مورد نظر دارد. برای مثال نور شمال و جنوب دارای بهترین کیفیت‌ها بوده و نورگیری از سمت غرب خسته‌کننده می‌باشد.

و) مصالح ساختمانی: مصالح ساختمانی استفاده شده در ساختمان از عوامل اساسی در پایداری به شمار می‌روند. البته نحوه انتخاب این مصالح نیاز به سبک و سنگین کردن مواد زیادی از سوی طراح دارد. به عنوان مثال بین انتخاب چوب یا ورق استیل برای پوشش یک سطح انتخاب چوب هزینه تهیه و همچنین آلودگی‌های محیطی کمتری دارد و این در حالی است که دوام ورق استیل بیشتر بوده و قابل بازیافت است ولی هزینه‌های زیست محیطی دارد.

۱-۱ مصالح بازیافت: در این مورد با تخمین عمر مفید ساختمان می‌توان از مصالح استفاده شده بعد از عمر مفید ساختمان نیز استفاده نمود.

۲-۲ توجه به منشأ مصالح ساختمانی: آیا مصالح مورد نظر از یک منبع تجدید نشدن بدست می‌آید یا خیر؟ به عنوان مثال اگر ماده چوب باشد آیا استفاده از آن به پایداری منبعی که تهیه شده است (جنگل) آسیب وارد می‌کند؟ در حالی که امروزه چوبهای مهندسی ساز زیادی وجود دارد که از درختان با کیفیت پایین‌تر و همچنین از ضایعات آنها ساخته می‌شود. همچنین نزدیکی محل منشأ مصالح و مصرف آنها یک نکته مهم است.

۳-۳ توجه به ظرفیت حرارتی مصالح: این فاکتور همان مدت زمان در برداشتن انرژی در یک ماده ساختمانی است. امروزه ضرابی برای این فاکتور در مورد مصالح ارائه گردیده است.

۴-۴ توجه به روش تولید مصالح: اگرچه این عامل به خاطر پنهان ماندن در ساختمان چندان به نظر نمی‌آید لکن فرایند تولید مصالح باشد که آیا فرایند تولید مصالح ساختمانی دارای ضایعات خطرناک محیطی هستند؟ شرکت‌های سازنده چگونه در کاهش این آسیب‌ها اقدام می‌نمایند؟

۵-۵ توجه به سمی بودن مصالح ساختمانی: امروزه ثابت شده است که

بسیاری از مصالح ساختمانی از خود بخارهای سمی ساطع می نمایند و باعث بروز بیماری هایی در ساکنین می گردند. چسب های فرمالدهید، رزین ها، رنگ های روغنی و ترکیبات آلی بخار شدنی و فلوروکربن ها (VOCs) که در چسب ها و رنگ ها هستند از موجبات بروز اینگونه مشکلات هستند.

و- ۶ انتخاب مواد طبیعی تا حد امکان: که انرژی کمتری در جهت تهیه آنها مصرف شده آلودگی های کمتری دارند. البته توجه به اینکه مهم است که استخراج بی رویه سبب ناپایداری منشأ مصالح می گردد.

و- ۷ توجه به طول عمر و دوام مصالح: مصالح پایدار نیاز به مرمت زیاد و جایگزینی دائمی در چرخه زندگی ساختمان ندارد.

ح) هماهنگی با بستر

ح- ۱ توجه به موقعیت شهری و دسترسی ها

ح- ۲ در نظر گرفتن خطوط تراز سایت در طراحی بنا

ح- ۳ توجه به تأثیر بنا بر بافت اطراف مثل سایه اندازی، ممانعت از جریان باد، اشراق (قبادیان و مهدوی، ۱۳۸۹: صص ۴۶-۵۵).

۷- اصلاح ارتباط انسان، طبیعت، معماری در رویکرد معماری پایدار:

۱-۷ نقش انسان:

پایداری نیازمند یک تلاش پیش رونده پیوسته می باشد. بدون مشارکت مردم، امکان بهبود و اصلاح محیط ساخته شده وجود ندارد. پایداری امری نیست که مردم به سادگی با مقررات و آیین نامه های آن موافقت کنند؛ در نتیجه می بایست توسط مشارکت انجمن ها در یک مدیریت کارآمد منابع به همراه نگاهی به تساوی حقوق که از پایه های سطوح پایداری است، انجام گیرد (Munier, 2005:5). در بسیاری از راه کارهایی که معماری پایدار ارائه می دهد، نگرش اقلیمی مطرح است. «با نگرش اقلیمی، انسان در حد یک موجود خاکی نیازمند آسایش آب و هوایی تقلیل می یابد. توجه به شرایط اقلیمی یکی از پایه های مهم معماری ایرانی می باشد، اما همه چیز به آن ختم نمی شود. در اینجا مجموعه ای از عوامل گوناگون، که یکی از آن ها اقلیم است، دست در دست هم داده و شکل نهایی بنا را می ساخته است. به طوریکه انسان، حضور در یک فضای آسایش دهنده را حس می کند و همزمان در درون آن فضا، پیام های بسیاری را دریافت می کند» (معماریان، ۵۲-۴۹: ۱۳۸۴). تطبیق روش های محیطی با نیازها و انتظارات انسان هایی که قصد دارند از آن استفاده کنند نیز نکته مهمی است که در قسمت «پایداری اقتصادی، محیطی، فرهنگی-اجتماعی»، به آن پرداخته شد.

۲-۷ انسان و طبیعت:

در اغلب نگرش های معماری پایدار، این گونه به نظر می رسد که همچنان نگاه مدرن بیکن حضور دارد. یعنی مدیریت بهره برداری از طبیعت و استثمار آن به گونه ای که نابود نشود و همچنان برای انسان قابل استفاده، باقی بماند. پایداری در لغت نامه ها بر حسب دوام و نگهداشت منابع تعریف شده است. برای مثال، پایداری (صفت توانایی پایدار بودن، مربوط به یک شیوه به دست آوردن یا مصرف یک منبع، بطوری که آن منبع تهی نشود و به طور دائم معیوب نگردد. مربوط به نوع و روش زندگی که شامل استفاده از روش های پایدار می باشد (Merriam-Webster: 1994). این معنی و

معانی مشابه، که پایداری را ضرورتاً از دیدگاه انسانی و از موقعیت یک آلت یا وسیله سودمند ارائه می‌دهد، مربوط می‌باشد به اینکه چگونه کیفیت زندگی انسان را در حدود ظرفیت‌های اکوسیستم‌های حمایت شونده حفظ کنیم یا بهبود بخشیم (Williamson, et al. 2003: 3). در حالیکه برابردانستن پایداری با بیوفیزیکال ۱۷ و نادیده گرفتن روابط وابسته مربوط به عادات، طرز زندگی و ارزش‌های فرهنگی صحیح نیست (Willis, 2000). از آنجایی که کاوش درباره معماری پایدار، از مفاد مهم و چالش‌انگیز این عصر می‌باشد، می‌توان شروع به پرسیدن سؤال‌های تازه‌ای نمود و شاید تفکر تازه‌ای را درباره طراحی پایدار معرفی کرد. همان‌گونه که فرانک فیشر ۱۸ و مارتین هگر ۱۹ این وضعیت را استدلال کرده‌اند (Fischer, et al. 1999: vii): «سؤال‌هایی که مطرح می‌شوند، از این نوع هستند: چه راه‌های گزینشی از نگرش به معماری پایدار را می‌توان در ذهن تجسم کرد؟ چگونه می‌توان مشکلات محیطی را تجزیه و تحلیل نمود؟ و چگونه می‌توان در طبیعت بود و هم با آن زندگی کرد؟ این توجه به زندگی هم با طبیعت و هم در آن، تأکید می‌کند که نه شرایط طبیعی و نه اجتماعی نمی‌توانند وضعیت‌های برتری نسبت به یکدیگر داشته باشند. در عوض یک فرآیند هم‌ساختی می‌بایست تشخیص داده شود و جستجو گردد (Irwin, 2001: 16). در این خط مشی به جای اینکه طبیعت را یک موجود مستقل و بیرونی به حساب آورد که باید ذخیره‌شود و یا مورد بهره‌برداری قرار گیرد، می‌بایست از راه‌های مختلف طبیعت را درک نمود و با آن ارتباط برقرار کرد. محیط زیست‌شناسی به طور واضح بخشی از فرهنگ است. آن، بخشی از روشی است که مردم در حدود آن، جهان و مکانشان را درک می‌کنند و آن وابسته به محیطی است که احساسات، تفکرات، تفاسیر، دانش، ایدئولوژی و ارزش‌های مردم را در بر می‌گیرد. آن، یک روش مخصوص فهم جهان است. همان‌طور که محیط زیست‌شناسی برای آنچه مردم انجام می‌دهند استنباط می‌شود و در آن تشریح می‌گردد. (Milton, 1996: 33) تأکید بر آنچه مردم انجام می‌دهند، تقریباً مربوط می‌شود به آنچه مردم فکر می‌کنند، احساس می‌کنند تا آنچه که مطالبه می‌کنند تا بدانند، به عنوان یک انسان‌شناس، میلتن ۲۰ می‌خواهد آدمی را به روش‌هایی حساس نماید که دانش بومی، رابطه انسان را نسبت به طبیعت شکل می‌دهد. (Guy, et al. 2005: 3) به گفته یورگ گروتز، برای درک رابطه ساختمان با محیط ابتدا بایستی به دیدگاه انسان در مورد محیط و یا به طور کلی نسبت به طبیعت، نظر داشت. «اساس ساختن، دست اندازی به طبیعت است. نوع این دست اندازی ارتباط بسیار نزدیک با طرز تفکر انسان در مورد طبیعت دارد» (گروتز، ۱۳۸۳: ۱۴۶) خطرات پیش‌روی انسان معاصر بسیارند؛ برای نمونه می‌توان به آنچه کریستوفر الکساندر ۲۱ درباره‌اش بحث می‌کند، اشاره نمود: «بیشتر نظرات و پیش‌بینی‌ها در باره انفجار جمعیت، مربوط به عوامل اقتصادی، خاصه کمبود مواد غذایی و تمام شدن منابع طبیعی است. اما خطری دیگر و بزرگ‌تر نیز وجود دارد و آن از بین رفتن زیبایی است. سلامت آدمی به عنوان یکی از موجودات طبیعت، بستگی به تأثیرات کالبدی، عصبی و احساسی او نسبت به محیط دارد. واژه «با هم بودن» و مفهوم آن را ممکن است زیاد جدی بگیریم اما جدایی روزافزون آدمیان از یکدیگر و از سایر مظاهر حیات در این سیاره، مسأله‌ای بس جدی است. «اکولوژی» دانشی درباره همین «با هم بودن» اشیاء و عناصر و محیط زیست آنهاست. آدمی موقعیت منطقه‌ای را که خود از آن برخاسته است چنان تغییر می‌دهد و این تغییر چندان غیر منطقی و بدون اندیشه است که خود، آینده خود را به خطر می‌اندازد. در جایی دیدیگر،

الکساندر می‌گوید اگر بر اثر رشد سریع جمعیت به فرض تأمین غذای همه آنها مقدور باشد و اگر تحت چنین شرایطی آدمی هنوز باقی بماند و به زندگی ادامه دهد، بی‌تردید به موجود دیگری تبدیل شده است؛ یا موجودی دیگر که دست کم از دیدگاه او قابل قبول نیست. او از ضعف و سستی انسانیت صحبت می‌کند (الکساندر، ۷-۸: ۱۳۷۶) شولتز در مقدمه کتاب «معماری: معنا و مکان» می‌نویسد: «در دوران فعالیت من، دنیای مدرن بحران بسیار پیچیده‌ای را متحمل شده است. زیست بوم تاریخی ما به سرعت تخریب شده، محیط طبیعی مان قربانی آلودگی و بهره‌برداری بی‌رویه گردیده و با وجود بشریمان صرفاً به عنوان «ماده انسانی» رفتار شده است. به طور کلی، انسان دیگر بخشی از یک تمامیت معنادار را شکل نمی‌دهد و نسبت به جهان و خودش غریبه است» (شولتز، ۹-۱۰: ۱۳۸۲) در این مقاله، شولتز با بررسی تأثیرات مخرب بحران دنیای معاصر بر انسان‌ها و خصوصاً نسل جوان، که آن را ناشی از سیطره ادراک انتزاعی- علمی می‌داند، و با اعتقاد بر این امر که با وجود تمامی تلاش‌های نقادانه‌ای که در حال حاضر شاهد آنها هستیم، سرچشمه بحران کنونی به درستی نشان داده نشده است، راه حل خروج از وضعیت کنونی را «بازگرداندن بعد شاعرانه زندگی به انسان‌ها» دانسته و دستیابی به آن را از طریق بازگشت به خود چیزها یعنی آن پدیده‌های ملموسی که در کنارمان هستند، و فهمیدن معنای اصیل آنها ممکن می‌داند. او این طریق ادراک را، پدیدارشناسی محیط زندگی روزمره می‌داند که به انسان‌ها امکان کشف مجدد عالم را به مثابه تمامیتی از کیفیات متعامل و واقعی داده، و همراه با آن «توسعه مجدد حس احترام و توجه به چیزها» را ممکن می‌سازد ((شولتز، ۹-۱۰: ۱۳۸۲). بعضی‌ها معتقدند که با غلبه بر طبیعت، چالش با فرهنگ از نقطه مقابل آن رخ می‌نماید: یعنی از دانش و آگاهی بشر و شکل‌آوری شده آن، یعنی فن‌آوری. مثلاً همراه با پیشرفت فن‌آوری، نوع بشر بحران محیطی جهانی‌ای را به وجود آورده است (نزیت، ۷۴: ۱۳۸۶) به عقیده سید حسین نصر، بحران محیط زیست طبیعی، جلوه بیرونی بحرانی در روان مردان و زنانی است، که چون از آسمان به خاطر زمین روی تافته‌اند، اینک در آستانه تخریب خود زمین نیز قرار گرفته‌اند. بحران زیست محیطی نه به صرف راه حل‌های خطابی و صوری، بلکه به مرگ و نوزایی انسان متجدد و جهان بینی او نیاز دارد و عالم طبیعت باید بار دیگر به صورتی که همیشه بوده است؛ یعنی به صورت قلمروی مقدس که نیروهای خلاق الهی را منعکس می‌سازد، تصور شود. برای حفظ قداست حیات، باید یک بار دیگر ماهیت قدسی طبیعت را یادآوری کرد و این به معنای قداست بخشی دوباره به طبیعت است، البته نه به این معنا که به طبیعت قداست اعطا کنیم، زیرا، چنین کاری فوق توان آدمی است، بلکه به این معنا که پرده‌های جهل و غرور را که قداست طبیعت را از دید بخش عمده‌ای از بشریت نهان می‌دارند، کنار بزنیم (نصر، ۱۳۸۶: ۱۴-۱۵) سید حسین نصر در کتاب خود به نام «انسان و طبیعت» به دقت و تفصیل به موضوع بحران معنوی می‌پردازد و این بحران را نه تنها در عرصه هنر بلکه در عرصه ارتباط انسان و طبیعت مطرح می‌کند و سرچشمه‌های بحران معنوی معاصر را در کنار گذاردن وجه مقدس طبیعت در نگاه به آن می‌داند: «برای حصول به صلح و آرامش با طبیعت، ابتدا به صلح و آشتی با نظم روحانی و معنوی (عالم) نیاز است. برای صلح و آشتی با زمین، ابتدا باید با آسمان آشتی کرد... برای اصلاح این وضع (تخریب ارزش قدسی و معنوی طبیعت)، معرفت متافیزیکی طبیعت باید از نواحیا شده و ماهیت قدسی طبیعت دوباره بدان بازگردانده شود» (نصر، ۲-۳: ۱۳۷۹) معماری پایدار به

توسعه پایدار در ارتباط با انسان و محیط زیست
در راستای حفاظت از منابع
سعیده فیضی، آرام فرشباغ آذریان

صص ۱۹-۳۸

عنوان یک فرآیند نه به عنوان محصول درک معماری پایدار شامل سؤال‌هایی است درباره پایداری یک ساختمان از لحاظ زمینه فرهنگی اجتماعی آن و به همان اندازه توجه به زمینه محیطی‌اش. سؤالات وابسته دیگری نیز در این رابطه مطرح می‌شوند؛ از قبیل: «پایداری در معماری به چه معنی است؟» در اینجا منظور جستجوی روش‌هایی است که از طریق آن معماری باید وفق داده شود. و سؤال دیگر اینکه: «معماری برای پایداری به چه معناست؟» در سؤال دوم منظور در نظر گرفتن معماری به عنوان چیزی است که در میان فاکتورهای همکاری‌کننده بسیاری قرار گرفته است تا دستیابی به زیست معنی‌دار آدمی را در یک محیط اجتماعی. (Williamson, et al. 2003: 4) سازد مقدور قطعی غیر نگاه دیگری نیز به معماری پایدار مطرح است؛ همانند آنچه آناماری ویلیس ۲۲ مطرح می‌نماید: امروزه به معماری پایدار، از طریق استنتاج کردن معماری به عنوان محصول پایداری، نگاه می‌شود. در حالیکه با معکوس کردن این رابطه، یعنی پایداری از معماری استنتاج شود، تغییر مهمی رخ خواهد داد. تغییری که به معنی خراب کردن و دوباره ساختن معماری و اندیشه معماران می‌باشد. در این صورت این معمار هنگام شروع یک پروژه از خود خواهد پرسید: چه چیزی از طریق فرم ساخته شده پایدار خواهد شد؟ آیا آنچه که ادعای پایداری‌اش را داریم واقعا پایدار است؟ سؤال اول، از طریق درک انواع فعالیت‌هایی که در یک ساختمان اتفاق خواهد افتاد، آشکار می‌شود. پاسخ سؤال دوم، بسیار مشکل است همچنان که نیاز به داوری آنچه ساخته شده، دارد. اگر بی‌رحمانه قضاوت شود، در بسیاری از موارد، پاسخ به اینکه آیا آنچه پایدار شده واقعا پایدار است، یا فقط جزئی می‌باشد. با پاسخ نه معمار باید روشن کند که چه چیزی را به کار گیرد، و اگر نادرست است چگونه باید آن را اصلاح کند. ایجاد یک ارتباط صحیح بین فرم ساخته شده و آنچه که باید پایدار شود اینگونه است که باید توجه طراحی را از یک ساختمان به عنوان یک محصول تمام شده، تغییر داد و به فرآیندهایی توجه کرد که در برگیرنده این موضوع هستند که چه چیزی حمایت می‌شود؟ چگونه با فرآیندهای دیگر متناسب می‌شوند و همکاری می‌کنند. بدین معنی که آنها را به عنوان یک گره در تقاطع جریان‌های خدمات، مصالح، اطلاعات، مردم و دیگر چیزهای زندگی دید (Willis, 2000). معماری پایدار به معنی یک فرآیند است که می‌تواند تکرار شود. پایداری یک مفهوم است که بیشترین عنوان اندازه ارزش یک روش به کار برده می‌شود. روشی که با نیازهای حفاظتی معاصر از طریق یک رفتار تکرار پذیر و بادوام مواجه می‌شود. بنابراین در این جا روی فرآیند به اندازه محصول نهایی توجه می‌شود. معماری پایدار به طور قطع تشخیص می‌دهد که محصول نهایی در اثر زمان ممکن است فرسوده شود و یا نیاز باشد که جایگزین گردد. ولی فرآیندی که ماندنی و قابل دوام بر جا می‌ماند را نیز تشخیص می‌دهد و آن فرآیندی می‌تواند تجدید شود و یا دوباره تکرار شود، بدون خرابی‌های غیر ضروری محیط و منابع. پایداری باید در رابطه با فرآیند دیده شود. به عنوان قدرتی که، آنچه را که قابلیت پایداری شدن دارد پایدار می‌کند. به عنوان چیزی که رابطه بین بیوفیزیکیال جسم ساخته شده و فرهنگ اجتماعی و نماد و سمبل را شکل می‌دهد. این دیدگاه نسبت به پایداری به عنوان یک فرآیند، بیش از یک محصول تمام شده است. به معنی نگاه کردن به آن، به عنوان یک قابلیت برای تغییر دادن می‌باشد. به معنی نگاه داشتن یک حس که چه چیزهایی باید حفظ شود و چه چیزهایی مناسب پایداری است (خواه ساختمان‌ها، اشیاء، فعالیت‌ها، فن‌آوری‌ها، حالت سکونت یا کار، عادت فکری و بدنی) و چه چیز مناسب نیست. پایداری به معنای مداومت، پیوستگی و استمرار است. فعال است و

به معنی جنبش و حرکت است و به معنی ذخیره برای آینده می باشد؛ مانند حفظ منابع موجود آب. آن چیزی را حفظ می کند که قابلیت پایداری دارد. پس معماری نیاز دارد که به عنوان یک فعالیت طراحی، پایدارکننده محیط باشد به همراه توانایی پایدار کردن آنچه که نیاز به پایداری دارد.

۸- اهداف معماری سبز در رابطه با انسان و محیط زیست او به شرح زیر خلاصه می شود

حفاظت از منابع- کاهش ضایعات- کاهش آلودگی- حفاظت از طبیعت و زیست بوم- طراحی پایدار- حفظ سلامت از طریق محیط

توجه به ابعاد فرهنگی طراحی.
جهت رسیدن به اهداف فوق و تجسم بخشیدن به معماری سبز به ذکر برخی نکات کلیدی در این رابطه می پردازیم:

۸-۱ حفاظت از منابع:

الف. انرژی: کاهش وابستگی به سوختهای فسیلی و کاهش تقاضای مصرف انرژی
کاهش وابستگی به سوختهای فسیلی: سیستم آبگرم خورشیدی به دست آوردن انرژی رایگان با استفاده از انرژی خورشیدی - استفاده از توزیع هوا در زیرزمین و بادگیر - استفاده از انرژی های تجدید شونده - حداکثر استفاده از نور روز- درز بندی داکتهای هوا، مانند باد- استفاده از سنسورهای حرارتی و الکتریکی - استفاده از پانلهای خورشیدی (دیوارهای سلولزی)
کاهش تقاضای مصرف انرژی: توجه به جهت قرارگیری ساختمان نسبت به خورشید - استفاده بجا از تراس و صفحات و سقفهای مشبک - انتخاب مناسبترین سیستم پنجره با توجه به اقلیم - استفاده از پنجره های سقفی برای دریافت روشنایی روز در صورت امکان - ایجاد سایه روی پنجره های جنوبی - به حداقل رساندن پنجره های غربی و شرقی - درز بندی داکتهای هوا - قرار دادن گاراژها و انبارها در جهت غرب و شرق - قراردادن تجهیزات بصورت متمرکز تا هزینه آبگرم کاهش یابد - استفاده از لامپهای فلورسنت بجای انواع دیگر.

ب. آب: حفاظت از منابع آبی، استفاده محدود - استفاده از وسائل کم مصرف - جمع آوری آب های خاکستری و استفاده مجدد در سایت - کاهش سطح ناحیه چمن کاری در سایت تا نیاز کمتری به آبیاری داشته باشد - استفاده از گونه های گیاهی که نیاز کمتری به آبیاری دارند - استفاده از تاسیسات آبکفا مانند دستشویی های آب نگهدار، دوشهای دارای کنترل پایی و فلاش تانکهای کم حجم.

ج. مواد و مصالح: استفاده از مصالحی که تحت نام سبز قرار می گیرند - استفاده از پانلهای چوب پنبه ای و کرکراه ای و پارچه ای - استفاده از چوبهای محکم و با دوام و غنی شده و معتبر - استفاده از منابعی مانند چوب که از منابع پایدار به دست می آیند و مصالحی که بتوانند به همان سرعتی که استفاده می کنیم جایگزین شوند - استفاده از مصالح قابل برگشت به طبیعت - استفاده از مصالح بومی که نیاز به حمل و نقل را کاهش می دهند - استفاده از خاک و سنگهای محل برای سایت - استفاده از مصالح ساختمانی که می توانند بخار آب را جذب و آزاد کنند - عدم استفاده از آسفالت -

۸-۲ کاهش ضایعات:

الف. تاسیسات: استفاده از تاسیساتی که تحت نام تاسیسات سبز قرار می‌گیرند و تاسیسات با کمترین دورریز و اسراف- گرمایش و تهویه: سیستم توزیع هوا در زیرزمین برای حداکثر راحتی و انعطاف پذیری و کفایت انرژی.

کنار هم قرار دادن واحدهای ساختمانی علاوه بر اینکه پوشش خارجی را کاهش می‌دهد باعث کاهش اتلاف انرژی نیز می‌شود باعث می‌شود که بتوانیم تجهیزات عمومی مشترک داشته باشیم که خود هزینه لوله کشی را کاهش می‌دهد- سیستم‌های زیرزمینی دابل توالتهای دو کاره (حمام و توالت)- لوله‌های رنگ روشن: برای دریافت انرژی خورشیدی (گرمای روز را به داخل حمامها و سرویسهای بهداشتی هدایت می‌کند) - حجم گرمای داخلی بوسیله افزایش روشنایی و تاثیرات وسائل الکتریکی ایجاد شده را به حداقل برسانید- انتخاب تاسیسات سرمایش مناسب - ایجاد فضاها و تاسیساتی برای جمع‌آوری ضایعات - عدم رهاکردن ضایعات در محیط - استفاده از مصالح و تاسیسات مرتبط با بازیافت ضایعات.

ب. اقتصاد: رعایت صرفه اقتصادی هم در ساخت و هم در انتخاب مصالح پایدار- کارخانه‌ای کردن بعضی از فرایندهای ساخت برای بهبود کیفیت و کاهش هزینه‌های نگهداری- کاهش وابستگی به تاسیسات گرمایش و سرمایش و روشنایی- ضایعات مصالح را با طراحی برای ارتفاع استاندارد به حداقل برسانیم- از ضایعات سازه سنگین‌تر از نیاز جلوگیری کنیم.

۸-۳ کاهش آلودگی:

به حداقل رساندن آزار صوتی - عدم استفاده از مواد شیمیایی صنعتی - استفاده از درختان در جذب دی اکسیدکربن - در نظر گرفتن دسترسی به شبکه حمل و نقل عمومی برای ساختمانها- استفاده از ورقهای عایق سلولزی که قابل بازگشت به طبیعت هستند - استفاده از رنگ‌های غیر شیمیایی و ارگانیک- استفاده از اتصالاتی شبیه به کام و زبانه بجای استفاده از چسبهای شیمیایی و رزین‌ها- در نظر گرفتن مسیرهای دوچرخه رو بجای عبور ماشین‌ها - فرش کردن کف اتاق‌ها

پیش‌آمدگی نما: عایق کاری دیوارهای خارجی برای جلوگیری از آلودگی نمای ساختمان در اثر آب باران (حفاظت از نمای خارجی). مطمئن شدن از اینکه بخار هود آشپزخانه حتما به بیرون هدایت می‌شود. (حفاظت از نمای داخلی) استفاده از داکتهایی که هوای تازه را به درون بیاورند.

۸-۴ حفاظت از طبیعت و زیست بوم:

توجه به اینکه ساختمان چه چیزی به طبیعت داده و چه چیزی از طبیعت گرفته- نگهداری فضای سبز و زیست بوم موجود- توجه به کاراکترهای طبیعی منطقه و خراب نکردن آن- خراب نکردن فرصت‌های لانه‌سازی و پیدا کردن غذای جانوران منطقه - ایجاد فضای سبز خود بسنده - ساختن ساختمانها با در نظر گرفتن طرح‌هایی برای توسعه و گسترش فضای سبز اطراف - تلاش هوشمندانه برای کار با توپوگرافی و عوارض طبیعی موجود که جریان بیولوژیکی و هیدرولیکی محلی و ناحیه‌ای به هم نریزد (قبادیان و مهدوی، ۱۳۸۹: ص ۶۰).

۹- نتیجه‌گیری:

از آنجا که دغدغه اصلی پایداری، توجه به شرایط محیطی است، طراحی پایدار محیطی، نوعی نزدیک شدن به محصول طراحی است که بهره‌مندی از ویژگی‌های درونی بستر و شرایط محیطی را به حداکثر می‌رساند، در حالیکه شرایط نامطلوب حاصل از این ساخت و ساز را به حداقل سوق می‌دهد. ساختمان‌ها از مرحله طراحی و نحوه استقرار، می‌بایست به شرایط و موقعیت به خوبی پاسخ مساعد دهند. در واقع، اهداف طراحی پایدار محیطی را می‌توان به ترتیب ذیل خلاصه کرد:

به حداکثر رساندن آسایش انسان به واسطه انجام: جذب نور روز، منظره دلپذیر، کیفیت مناسب هوا، عایق صوتی مناسب، کنترل مناسب دما، کنترل دلخواه رطوبت، مراقبت‌های موثر کیفیتی و پیش‌بینی‌های لازم امنیتی، کنترل مناسب انسانی.

برنامه‌ریزی کارآمد جهت: سیلان و تحرک مناسب مصرف‌کنندگان در فضا، ایجاد امنیت قابل تحقیق، سهولت در انطباق و تغییرپذیری، قابلیت پاسخ‌گویی در برابر خواسته مصرف‌کنندگان، در هم آمیختگی سازه ساختمان با تاسیسات

۱- طراحی برای تغییر، توسط: طراحی ساده و مدولار، که خود را بتواند با توسعه و افزایش نیازمندی‌ها وفق دهد به حداقل رساندن فضاهای قابل استفاده، توسط: تقلیل مساحت باغچه‌ها در داخل ساختمان؛ حداقل نمودن فضای کانال‌کشی‌های هوا، حداکثر نمودن در هم آمیختگی عناصر سازه‌ای و تاسیساتی، برطرف نمودن ضرورت سقف کاذب در ساختمان. ۲- به حداقل رساندن هزینه احداث ساختمان، توسط: تقلیل فضاهای تاسیساتی و موتورخانه، تقلیل پیچیدگی در فضا و عناصر خدماتی، هماهنگ‌سازی سازه و عناصر خدماتی، استفاده از سازه کارآمد. ۳- تقلیل هزینه نگهداری ساختمان، توسط: استفاده از مصالح با دوام، تجهیزات با عمر زیاد، سیستم‌های کنترل محیطی ساده قابل اطمینان، دسترسی مناسب برای نگهداری و تعمیرات. ۴- حفاظت و بهبود بخشیدن ارزش‌های طبیعی، به واسطه در هم آمیختگی با طبیعت وحشی و حیوانات، توجه به شرایط سبزی، جمع‌آوری آب باران و بازیافت آب شیرین، بازیافت موثر فاضلاب و به کارگیری آن. (به نقل از احمدی، ۱۳۸۲: ۹۵-۹۶).

فهرست مأخذ

- ۱- اسلامی، غلامرضا، مواجهه با مشکلات و توسعه درونزا، نشریه صفا، شماره ۳۴، دانشگاه شهید بهشتی، تهران/ ۱۳۸۰.
- ۲- احمدی، علی؛ حمل و نقل و پایداری شهری، دومین همایش ملی علوم جغرافیایی، دانشگاه پیام نور آذربایجان غربی، ارومیه، مهرماه ۱۵ و ۱۶/ ۱۳۸۲.
- ۳- الکساندر، کریستوفر و سرچ چرمایف / ترجمه: منوچهر مزینی / عرصه‌های زندگی جمعی و زندگی خصوصی / انتشارات دانشگاه تهران، تهران / ۱۳۷۶.
- ۴- بحرینی، سیدحسین، تجدد، فراتجدد و پس از آن در شهرسازی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران / ۱۳۸۵.
- ۵- نزیبت کیت، ترجمه و تدوین: محمد رضا شیرازی / نظریه‌های پسمادرین در معماری / نشرنی، تهران / ۱۳۸۶.
- ۶- توحیدی نیا، ابوالقاسم، اقتصاد محیط زیست، ترجمه سیاوش دهقانیان، عوض کوچکی، علی کلاهی اهری، مشهد انتشارات دانشگاه فردوسی / ۱۳۸۳.
- ۷- سینایی، وحید، توسعه پایدار و گردشگری، نشریه علوم سیاسی، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۹۵ و ۹۶، ۱۳۷۴، صص ۱۳۷-۱۳۴.
- ۸- شولتز، کریستیان نوربرگ / ترجمه: ویدا نوروز برازجانی / معماری: معنا و مکان / نشر جان جهان، تهران / ۱۳۸۲.
- ۹- صدوق، محمدباقر، توسعه و توسعه پایدار، مجله محیط زیست، شماره ۳۶، صص ۱۵-۹/ ۱۳۸۰.
- ۱۰- صرافی، مظفر، شهر پایدار چیست؟ فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۴/ ۱۳۷۹.
- ۱۱- ضرابی، اصغر و مهری اذانی، توسعه پایدار در جهان صنعتی و در حال توسعه، تهران، مجله رشد آموزش جغرافیا، شماره ۵۹. ۱۳۸۰/.
- ۱۲- عباسپور، مجید، انرژی، محیط زیست و توسعه پایدار تهران، دانشگاه صنعتی شریف / ۱۳۸۶.
- ۱۳- عزیزی، محمد مهدی، توسعه شهری پایدار، برداشت و تحلیلی از دیدگاه‌های جهانی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، سال یازدهم، شماره ۳۳، پائیز و زمستان / ۱۳۸۰.

توسعه پایدار در ارتباط با انسان و محیط زیست

در راستای حفاظت از منابع

سعیده فیضی، آرام فرشباغ آذریان

صص ۱۹-۳۸

توسعه پایدار در ارتباط با انسان و محیط زیست
در راستای حفاظت از منابع
سعیده فیضی، آرام فرشباغ آذریان

صص ۱۹-۳۸

- ۱۴- فلامکی، محمد منصور / ریشه‌ها و گرایش‌های نظری معماری، نشر فضا، تهران / ۱۳۸۱.
- ۱۵- قادری، عباسعلی، اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا، جلد دوم، تهران، انتشارات گیتاشناسی / ۱۳۸۳.
- ۱۶- قبادیان، وحید فیض مهدوی، محمد، کتاب طراحی اقلیمی اصول نظری و اجرایی کاربرد انرژی در ساختمان. نام نویسنده کنت لبز، دونالد واتسون، ۱۳۸۹.
- ۱۷- قرخلو، مهدی و حسینی، سید هادی، شاخص‌های توسعه پایدار شهری، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، شماره ۸/ ۱۳۸۵.
- ۱۸- گرجی مهبانلی / مقاله معماری پایدار و نقد آن در حوزه محیط زیست / نشریه علمی پژوهشی انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، شماره ۱، پائیز ۱۳۸۹.
- ۱۹- گروتز، یورگ / ترجمه: جهان‌شاه پاکزاد و عبدالرضا همایون / زیبا شناختی در معماری / انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران / ۱۳۸۳.
- ۲۰- معماریان، غلامحسین / سیری در مبانی نظری معماری / نشر سروش دانش، تهران / ۱۳۸۴.
- ۲۱- نصر، سید حسین / نظرمفکران اسلامی درباره طبیعت / انتشارات خوارزمی، تهران / ۱۳۸۳.
- ۲۲- نصر، سید حسین / ترجمه: عبدالرحیم گواهی / انسان طبیعت / دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران / ۱۳۷۹.
- ۲۳- نصر، سید حسین / ترجمه: انشاالله رحمتی / دین و نظم طبیعت / نشر نی، تهران / ۱۳۸۶.
- 24- Adams, W. M. (2001). Green Development: Environment and Sustainability in the Third World (2nd Edition). London: Routledge.
- 25- Beck, U. (1992), The Risk Society, Sage: London.
- 26- CIB, (1999), Agenda 21 on Sustainable Construction, Rotterdam: CIB Report Publication 237
- 27- Fischer, Frank and Marteen, A. Hager (1999), Living with Nature: Environmental Politics as Cultural Discourse, Oxford: Oxford University Press.
- 28- Hopwood, Bill, Mary, Mellor and Geoff, O'Brien (2005), Sustainable Development: Mapping Different Approaches. John Wiley & Sons, Ltd and ERP Environment.
- 29- Irwin, Alun (2001), Sociology and the Environment, Cambridge: Polity Press.
- 30- Milton, Kay (1996), Environmental and Cultural Theory: Exploring the Role of Anthropology in Environmental Discourse, London: Routledge
- 31- Munier, Nolberto (2005), Introduction to Sustainability: Road to a Better Future, The Netherlands: Springer
- 32- Rogers, Richard (2005), Action for Sustainability, JA (Japanese Architecture), No. 60, p. 129.
- 33- Guy, Simon and Steven, A. Moore (2005), Sustainable Architecture: Cultures and Natures in Europe and North America, Taylor & Francis
- 34- Williamson, Terry, Antony, Radford and Helen, Bennetts (2003), Understanding Sustainable
- 35- Willis, Michael. 2006, sustainability, the Issue of our Age, And a concern for local government, public Management, No 88, p-p 8-12

بررسی نمادها، نشانه‌ها و هویت اسلامی در
معماری و شهرسازی ایران
حسین زه تابچی، محمد جواد قربانی فرد،
محمد علی نوائی

صص ۳۹-۴۷



بررسی نمادها، نشانه‌ها و هویت اسلامی در معماری و شهرسازی ایران

حسین زه تابچی^۱، محمد جواد قربانی فرد^۲، محمد علی نوائی^۳

۱- مدرس و مدیرگروه معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد سما
۲- باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان دانشگاه آزاد اسلامی واحد سما قم
۳- باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان دانشگاه آزاد اسلامی واحد سما قم
linetoline@yahoo.com

چکیده

امروزه توجه به مفهوم نشانه‌ها و نمادها و هویت در شهرسازی و معماری به عنوان یکی از دغدغه‌های حرفه‌مندان و نظریه پردازان شهرسازی و معماری شده است به کارگیری نشانه‌شناسی و نمادها و هویت اسلامی به مثابه ابزاری برای تحلیل و ارزیابی استفاده‌ها و دلالت‌های تصریحی و تلویحی در ساختار شهرسازی و معماری است نمودی از کاربرد نشانه‌شناسی هویت اسلامی و نماد شهری است. در این مقاله ابتدا به تعاریف و مفاهیم پایه پرداخته و در ادامه به اهمیت نمادها و نشانه‌ها، چگونگی کاربرد نشانه‌ها، نقش نشانه‌های معماری و شهری، عوامل اصلی عدم کاربرد نشانه‌های اسلامی در بنا، فلسفه کاربرد نشانه‌های اسلامی در بنا و در انتها به یک نمونه موردی خانه عامری‌ها در کاشان و راهکارها و نتیجه‌گیری را مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌دهد.

واژگان کلیدی: نشانه‌ها، نمادها، هویت شهری، شهرسازی

بررسی نمادها، نشانه‌ها و هویت اسلامی در
معماری و شهرسازی ایران
حسین زه تاجچی، محمد جواد قربانی فرد،
محمد علی نرائی

صص ۳۹-۴۷

۱- مقدمه

در پرداختن به نشانه‌شناسی شهری و پژوهش پیرامون آن، توجه به برخی تعاریف پایه‌ای که در علم نشانه‌شناسی کاربرد دارد، الزامی است. این مفاهیم در تبیین موضوعات گوناگون نشانه‌شناختی به انحاء مختلف مورد تأکید بوده و در روند نشانه‌شناسی از کلیه نظام‌هایی که موضوع این علم‌اند، نقش اساسی ایفا می‌کند. مسلماً تحقق این مطالب با بررسی دقیق و درک کاملی از مفاهیمی همچون نشانه، رمزگان، نشانه‌شناسی، شهر و ارتباط تنگاتنگ و چند سویه آنها میسر است. جست‌جوی برای بازیابی معانی‌ای که انسان به شهر می‌دهد، کار دشواری است. شهرها زاینده نیازهای اجتماعی انسان هستند و همین نیازها اشکال و روش‌های بازنمایی آنها را مضاعف می‌سازد. از این رو برای بازنمایی واقعیت در شهرها، از روش‌های متداول در زبان‌شناسی و معنی‌شناسی استفاده می‌شود. در زبان‌شناسی، معماری زبانی است که شهر متن آن است. در معنی‌شناسی، شکل شهری، متنی است که تفسیر می‌شود. هدف نشانه‌شناسان مطالعه نظام یافته معنی از طریق نشانه‌های متبلور در صورت و محتوای شهر است.

۲- هدف تحقیق

در این مقاله به این ترتیب هدف اصلی مقاله حاضر یافتن پاسخی برای این پرسش‌ها است. که سوال‌های تحقیق مربوط به نمادها و نشانه‌ها می‌باشد و در ادامه هدف این تحقیق بررسی نمادها و نشانه‌ها و هویت اسلامی در معماری و شهرسازی ایران می‌باشد.

۳- سوال‌های تحقیق

- ۱- برای هدایت بخشی به شهرهای ایران و تبدیل آن‌ها به جلوه کافی از فرهنگ و تمدن اسلامی چه باید کرد؟
- ۲- در صورتی که کاربرد نشانه‌ها و نمادهای اسلامی در بناهای مدرن و بافت جدید شهرها امکان‌پذیر باشد، راهکارهای استفاده بجا و محتوایی از این نشانه‌ها چیستند و فرآیند انجام کار چگونه است؟

۴- روش تحقیق

از نظر پژوهشی کار حاضر جزو تحقیقات کاربری محسوب می‌شود. در جمع‌آوری اطلاعات، از روش تحلیلی و اسنادی استفاده شده است، و اطلاعات حاصله از مطالعه منابع اسناد و نوشته‌های مربوط سعی گردیده با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، داده‌ها و اطاعات گردآوری شده، بررسی و تحلیل گردیده است.

۵- مبانی نظری

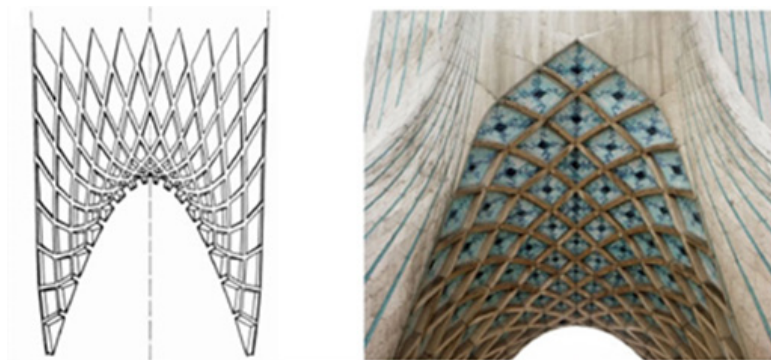
- تعاریف و مفاهیم پایه

۱- نشانه

بدین ترتیب، هر نشانه دارای یک واحد اطلاعات اشاره و دلالت دارد. پیکربندی نشانه‌ها در کنار یکدیگر نیز دارای معنی است. الگوهای اولیه که به بررسی ساختار نشانه پرداخته‌اند، متعلق به زبان سوئیسی فرد بنان دو سوسور و فیلسوف آمریکایی چارلز سندرز پیرس، می‌باشد. کماکان الگوهایی که سوسور و پیرس از مفهوم نشانه مطرح کرده‌اند، اعتبار بنیادی خود را حفظ کرده و مبنای تحولات بعدی شده است.

۲- نماد

یک نماد (که مظهر و سمبل هم نامیده می‌شود) نتیجه فرآیند شناختی است که به تبع آن موضوع برای استفاده ابزار معنایی ضمنی پیدا می‌کند. از این نظر ((موضوع)) می‌تواند یک محیط با یک مصنوع مادی باشد. این معانی از داده‌های ذهنی مشاهده‌گر نسبت به موضوع گرفته می‌شوند. این داده‌ها ممکن است از یک تداعی روان شناختی، یک عرف اجتماعی و یا حتی از یک حادثه نتیجه شوند. نماد به بیان محتوای ذهنی به زبان فرم می‌پردازد. نماد علامتی است معنایی یا قابلیت تحلیل معنایی که محتوایی فراتر از معنایی اولیه را بیان می‌کند.



تصویر ۱- نمونه تصویری از نماد دو پهلوی از میدان آزادی

۳- رمزگان

مفهوم ((رمز)) در نشانه‌شناسی بسیار بنیادی است. رمزگان چارچوبی را به وجود می‌آورد که در آن نشانه‌ها معنا می‌یابند. در واقع می‌توان قلمرو رمزگان را در آن فرض کنیم، آنگاه روشن است که تفسیری معنای مرسوم نشانه‌ها، مستلزم آشنایی با مجموعه‌های مناسبی از قراردادهای و هنجارها است. رمزگان و تفسیر متون به وجود رمزگان یا قراردادهای ارتباطی بستگی دارد. بنابراین معنای نشانه به رمزی که در آن قرار گرفته بستگی دارد.

هدف یک رمزگان علمی، خنثی‌سازی و به حداقل رساندن تنوعات و ارزش‌های مبتنی بر دلالت‌های ضمنی است. حال آنکه رمزگان‌های زیبایی شناختی تنوعات و ارزش‌ها را تحقق می‌بخشند و به آنها پروبال می‌دهند. رابطه دال و مدلول همواره مبتنی بر قرار دادهای است. اما قرار داد می‌تواند تلویحی یا تفریحی باشد.

مفهوم قرارداد به ویژه قرار داد تلویحی مفهومی نسبی است؛ نشانه‌ها اغلب انگیزه‌اند؛ ولی تحول تاریخی گرایش محو انگیزتگی دارد. هنگامی که دیگر انگیزتگی قابل مشاهده نباشد، نشانه‌ها از دلالت‌های تلویحی بهره می‌گیرند.

۴- نشانه‌شناسی

پس از بحثی که در مورد عمده‌ترین دیدگاه‌ها درباره نشانه شد، حال ضروری است حوزه مطالعاتی نشانه‌شناسی مشخص گردد. معلوم گرد که نشانه‌شناسی به مطالعه چه می‌پردازد و چه جایگاهی در رابطه با دیگر علوم دارد. نشانه‌شناسی مطالعه نشانه‌ها و فرآیندهای تاویلی آنها را تامل می‌شود. سوسور در تعریف نشانه‌شناسی می‌گوید ((نشانه‌شناسی برای ما مشخص می‌سازد که نشانه از چه تشکیل شده و چه قوانینی بر آنها حاکم است. از آن جا که این دانش هنوز به وجود نیامده است، نمی‌توان گفت که چه خواهد بود، ولی چون حق وجود دارد، جایگاهش از پیش تعیین شده است. زبان‌شناسی تنها بخشی از این دانش عمومی است)).

بررسی نمادها، نشانه‌ها و هویت اسلامی در
معماری و شهرسازی ایران
حسین زه تابچی، محمد جواد قربانی فرد،
محمد علی نوائی

صص ۳۹-۴۷

بررسی نمادها، نشانه‌ها و هویت اسلامی در
معماری و شهرسازی ایران
حسین زه تابیچی، محمد جواد قربانی فرد،
محمد علی نرائی

صص ۳۹-۴۷

۵- شهر

معنای لغوی شهر عبارتست از: مدینه، بلد و اجتماع خانه‌های بسیار کم مردمان در آن سکنی می‌کنند. آبادی که سرخانه‌های بسیار و خیابان‌ها و میدان‌ها و بازارها بزرگ و دارای سازمان‌های اداری و انتظامی باشد.

شهر در معنای تاریخی خود، نقطه‌ای است که در آن حداکثر تمرکز قدرت و فرهنگ یک اجتماع متبلور می‌شود. شهر، شکل روابط منسجم اجتماعی و جایگاه مراکز و فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و... است. در شهر تجاری انسان به علائم ماندگار، نمادها، الگوهای رفتاری و دستگاه‌های نظم نمایش داده می‌شود.



تصویر ۲- نمونه تصویری از شهر

- اهمیت نمادها و نشانه‌ها

نمادها و نشانه‌ها در تمدن‌های مختلف دارای ارزش و اهمیت متفاوتی می‌باشند و هنگامی ارزش ملی می‌یابند، که مورد قبول اکثریت اعضای جامعه باشند. همچنان که تمدن انسانی در گذر تاریخ دستخوش تحولات گشته است. به تدریج نمادهای طبیعی (مانند: جغد؛ مار، مورچه، آهو و...) به فراموشی سپرده می‌شود. به عبارت دیگر، با توسعه تمدن، پیشرفت صنایع و بالطبع دگرگونی‌های فرهنگی، نشان‌های کهن معنا و شکل خود را از دست داده و یا کاربردی دیگری یافته‌اند.

نشان‌ها و نمادها از کهن‌ترین، پیچیده‌ترین، پرنفوذترین و جالب‌ترین ابزاری بوده‌اند که در جهت ظهور و آشکارسازی مسائل پنهان و جهان مادی و معنوی به کار گرفته شده‌اند. ابزاری که بشر توانسته است به کمک آن‌ها اندیشه و حتی خیال خود را به صورت هنرپدیدار سازد.

- چگونگی کاربرد نشانها

می‌دانیم که سازماندهی فضایی شهرها، فرآیند بازتولید و تغییر شکل روابط اجتماعی در ساخت آن‌ها است و رابطه متقابل عناصر شهری محتوای اجتماعی خاصی بدان می‌بخشد. به عبارت دیگر همانگونه که روابط اجتماعی به فضاها فرم، عملکرد و اهمیت اجتماعی می‌دهد، تغییر در محیط شهری نیز می‌تواند به تغییر روابط اجتماعی بیانجامد و از این رو بکارگیری سمبل‌ها در فضاهای شهری اهمیت می‌یابد. به عبارت دیگر «... اگر جامعه و فضا در رابطه متقابل باشند، سازمان اکولوژیکی شهرها گرایش به بیان و تقویت این همبستگی را از طریق تمرکز سمبل‌ها و سیستم ارتباطات بر مبنای مشارکت فضایی در ارزش‌ها میسر می‌سازد»، بدین ترتیب باید پذیرفت که شهر خود یک ساخت سمبلیک است که در آن مجموعه‌ای از علائم رابطه میان طبیعت، فرهنگ، فضا و جامعه را تنظیم می‌نمایند.

در شهرها هر واحد معماری، به هر شکل و اندازه‌ای که باشد، قابلیت آن را دارد که مفهوم خاصی را منعکس سازد، تراکم مفاهیم و معانی در فضاهایی بیشتر است که سازندگان متعهدتر و با فرهنگ غنی‌تر در شکل دادن آن‌ها دخیل باشند. این بدان جهت است که باورها و اعتقادات در کیفی کردن فضاها (در مراحل طراحی، ساخت، تزیین و حتی استفاده) ایفای نقش می‌کنند. به عبارت دیگر مردم سازنده شهر، هرگاه توانسته‌اند فرصت اندیشیدن بیشتری داشته و سلیقه‌های خاص خود را چه در زمینه رابطه کاربردی فضا، چه در زمینه تناسب سه بعدی و برداشت‌های روانی، چه در زمینه مصالح ساختمانی و شالوده بنا و تطابق آن با نیازهایی از قبیل حس آرامش و... روی بناهای خویش بیشتر انعکاس دهند، شهری ساخته‌اند که مظاهر و علائم بیشتری را از یافت فرهنگی ساکنین در خود اندوخته است. از این رو است که، "...هر شهر کهن با سیمای ظاهری و شکل‌های خاص خویش می‌تواند با کتابی با نگارش خاص خویش، زبان بسته خویش و خلاصه با سبک خود مقایسه گردد". اگر چه کاربرد مظاهر، علائم و سمبل‌های فرهنگ گذشته این سرزمین در فضاهای نوسازی شهری، از سوی دست اندرکاران معماری مدرن مورد انتقاد قرار گرفته، لیکن به یقین در زندگی روزمره ساکنان شهرها ارزش‌ها و مفاهیمی وجود دارد که از راه عناصر کالبدی یا قابل لمس، می‌توان آن‌ها را به دیگران منتقل ساخت. بدون تردید انتقال این ارزش‌ها فضاهای فکری واحد و همگانی را شکل داده و پیوندهای اجتماعی را سبب می‌گردد. نشان‌ها و سمبل‌هایی که نمایانگر ارزش‌ها و مفاهیم اجتماعی - فرهنگی باشند، به مثابه وسیله تبادل افکار بین ساکنان شهرها عمل می‌کنند، چگونگی کاربرد نشانه‌ها، به گونه‌ای که به عنوان یکی از وسایل جمعی اثر به کار آیند، امری است که همکاری برنامه ریزان شهری در روش‌های کنش‌های فرهنگی جامعه و تجلی مظاهر فرهنگی را طلب می‌نماید.

- رابطه دو مفهوم معماری و شهرسازی

در همه جا این دو مفهوم باید پیوندی کامل و نزدیک داشته باشند. معماری قبل از هر چیز درکی شخصی از معنا و اراده فردی در خلق فضا است، اما این رابطه فردی از فضا باید بتواند تبدیل به یک رابطه جمعی شود و تعمیم پیدا کند. به عبارت دیگر تولید فضا در معماری تولیدی فردی است که باید به تولید اجتماعی و جمعی تبدیل شود. شهرسازی (و نه البته تنها شهرسازی) یکی از مظاهر این تولید جمعی است. در دوره‌های جدید یعنی بعد از صنعتی شدن، معماری را به مثابه پدیده‌ای شخصی با تولید اجتماعی می‌بینیم. بنابراین باید قاعده‌ای منطقی بین معماری و شهرسازی برقرار باشد که در شکل‌آرمانی و ایده‌آل‌اش بتواند خلاقیت فردی و هنری معمار را تبدیل به خلاقیت اجتماعی و جمعی کند.

- نقش نشانه‌های معماری و شهری

نشان‌های معماری، همانند هر نماد دیگر، دارای دو عملکرد «بیان معنا» و «ایجاد حس هویت» می‌باشند. هر نشانه‌ای به بیان معنایی فراتر از خود می‌پردازد و حس تعلق به جامعه‌ای خاص را اظهار می‌دارد. این نشانه‌ها به دلیل آن که در زندگی روزمره تکرار می‌شوند، همچنین حس خاصی از معنا و هویت را تقویت می‌کنند. نمادها و الگوهای شهری همیشه به عنوان علائم و نشانه‌های القاء‌کننده تفکر و بینش حاکم بر شهرها مورد توجه بوده‌اند. این علائم، چنانچه با دقت و اندیشه متعالی انتخاب شوند، می‌توانند به عنوان رسانه عمومی بسیار مهم ایفای نقش نموده و به آگاهی بخشی

بررسی نمادها، نشانه‌ها و هویت اسلامی در
معماری و شهرسازی ایران
حسین زه تابچی، محمد جواد قربانی فرد،
محمد علی نرائی

صص ۳۹-۴۷

ساکنان شهر و حتی بازدید کنندگان آن پیردازند. نقش نمادها و نشان‌ها در بناها و فضاهای شهر آنچنان قوی است که از جنبه‌های گوناگون بر ساکنان تأثیر گذاشته و رفتار آن‌ها را شکل می‌دهد.

- عوامل اصلی عدم کاربرد نشانه‌های اسلامی در بنا

- ۱- عامل اول مشکل فرهنگی است که بر سه گروه زیر حاکم است که حاصل تضاد نظری و گرایش‌های دو قطب مدرنیسم و سنت گرایی می‌باشد.
- ۲- دولت، به عنوان بزرگ‌ترین کارفرما نقش به سزا و تعیین کننده‌ای در شکل دهنده‌ی فضاهای شهرها و بنا داشته است.
- ۳- بخش‌های خصوصی در دو دهه‌ی اخیر، با سرمایه‌گذاری در طرح‌های صنعتی تجاری و... به عنوان کارفرما ظاهر شده و نقش مهمی در شکل دادن محیط زیست ایفا نموده‌اند. این بخش با هدف کسب درآمد و اجرای طرح‌های شتاب زده و بعضاً فاقد کیفیت مطلوب به اعمال سلیقه پرداخته‌اند.
- ۴- مردمان عادی به لحاظ محدودیت در سرمایه، کارفرمایان ساخت بناهای کوچک می‌باشند و صرفاً در صدد تأمین سرپناهی برای خود می‌باشند.

- فلسفه کاربرد نشانه‌های اسلامی در بنا

روح یک ملت در ارزش‌های دینی آن‌ها نمایان است و ارزش‌های دینی عمیق‌ترین، گران قدرترین و لطیف‌ترین بخش یک فرهنگ‌اند و معماری را موسیقی ((تجسد یافته))، ((آینه تاریخ))، ((دفتر ثبت آثار بشری)) و ((بیان کننده ایده‌ها و ارزش‌ها)) تعریف کرده‌اند. معماری عرصه بروز روحیات، حالات، آرمان‌ها و اعتقادات انسان‌ها و نیز عرصه فرهنگ، هنر و فن است. آدمیان پدید آوردندگان بناها، تأسیسات و فضاهای زیستی‌اند، از این رو هر اثر معماری، اثر فرهنگی نیز محسوب می‌شود. به بیانی ساده، معماری تبلور فرهنگ و اندیشه انسان و تجلی عینی ارزش‌ها و باورهای یک قوم و ملت است.

اگر چه اعتقاد عموم معماران بر آن است که ساختار فرهنگی و اجتماعی یک ملت می‌تواند بر تظاهرات کالبدی و فضایی مصنوعات آنها اثرگذار باشد، اما بدون تردید ویژگی‌های کالبدی و فضایی نیز می‌توانند در پویایی، استمرار و یا تغییر روابط اجتماعی و فرهنگ ملت‌ها مؤثر باشند.

۶- نمونه موردی

- خانه عامری‌ها (کاشان)

- اقلیم

از نظر پهنه بندی اقلیمی شهر کاشان در پهنه اقلیمی با زمستانهای نسبتاً سرد و تابستان‌های خیلی گرم و خشک قرار گرفته است. شهرستان کاشان در حدود جنوب و غرب در معاصره سلسله جبال مرکزی ایران قرار گرفته است. آبادی‌های دامنه این کوهستان عموماً دارای آب و هوایی لطیف و معتدل می‌باشند ولی از جانب شمال شرق که به زمین‌های شوره‌زار کویر مرکزی ایران اتصال پیدا می‌کند. هوای آن بتدریج خشک و سوزان می‌شود و آب و هوا در قسمت جلگه‌ای کاشان گرم و خشک می‌باشد. دلیل اصلی خشکی هوای کاشان مجاورت آن دشت کویر است. گرمای هوا در این شهر در تابستان از مرز ۴۰ درجه سانتیگراد نیز عبور می‌کند.

بررسی نمادها، نشانه‌ها و هویت اسلامی در
معماری و شهرسازی ایران
حسین زهتابچی، محمد جواد قربانی فرد،
محمد علی نوائی

صص ۳۹-۴۷

شکل ۳- نمونه تصویری خانه عامری (کاشان)



- ویژگی معماری

ویژگی بارز این بنا وسیع بودن هردو حیاط و همینطور مجلل بودن فضاها و تزئینات این خانه است. از فضاهای مهم معماری این بنا باید از سرداب، شاه نشین، آینه خانه، هفت دری، هشتی ورودی، ایوان تابستانی و ایوان زمستانی، حوضه خانه، بهاربند و دو بادگیر نام برد. تزئینات مقرنس، قطاربندی و رسمی بندی، شاه نشین، یزدی بندی بسیار مفصل ایوان و نقاشی‌های رسمی و تذهیب سقف سرداب این بنا قابل ذکر هستند.



شکل ۴- ویژگی معماری در بنای عامری (کاشان)

- ویژگی‌های پایدار در بنا

- **فرو رفتن در خاک:** خاک با داشتن ظرفیت حرارتی بالا به عنوان بهترین مامن برای حفاظت ساختمان و ساکنان آن از سرما و گرما محسوب می‌شود. استفاده از فضاهای زیرزمین در این بنا یکی از راهکارهای اقلیمی جهت تامین فضای مطلوب و آسایش حرارتی ساکنان خانه می‌باشد. علاوه بر آن اختلاف سطح حیاط با معبر عمومی و استفاده از هشتی حفاظی در برابر باد شدید و گرم این منطقه از سمت کوچه به داخل حیاط است.
- **استفاده از فضای سبز و حوض آب:** استفاده از درختان علاوه بر ایجاد سایه باعث جذب پرتوهای تابشی خورشید و جلوگیری از انعکاس دوباره پرتوها شده که خود باعث کاهش چند درجه‌ای دما در محیط اطراف خود است. دیگر راهکار

اقلیمی به کار رفته در این بنا استفاده از حوض آب است. قرار گرفتن حوض علاوه بر تعدیل رطوبت نسبی هوا - بر کاهش دمای هوا در محوطه حیاط و ایجاد جریان هوا نیز موثر است. شکل حیاط بزرگ این خانه با حوض وسیع و کاشت درخت نشان می‌دهد همانطور گفته شد در مرطوب شدن هوا و پایین آوردن دما نقش به سزایی دارد.

- استفاده از بادگیر و تهویه طبیعی هوا: به منظور استفاده از بادهای مناسب معماران گذشته از بادگیر استفاده می‌کردند تا بدین شیوه جریان هوای مطبوع را به داخل اتاق‌ها انتقال دهند و هوای گرم و آلوده به بیرون فرستاده شود. در واقع بادگیرها کار مکش را انجام می‌دهند.
- عایق کاری: در بناهای ایرانی با ساختن دیوارها به صورت دو جداره و افزایش ضخامت دیوارها به طور محسوسی نیاز به سرما و گرمایش کاهش یافته که خود کاهش مصرف منابع انرژی را به دنبال دارد.
- مصالح: در هر اقلیم مصالح از نظر در دسترس بودن و مقاومت حرارتی و رنگ انتخاب می‌شوند که در اقلیم این خانه خشت و گل استفاده شده که با داشتن رنگ روشن و ظرفیت حرارتی کم و مقاومت حرارتی بالا بیشترین تناسب را با اقلیم گرم و خشک این منطقه دارد.

۷- راهکارها

۱- گروهی از متخصصان معماری و شهرسازی به سازگار نمودن فرم فضاها و عملکرد آن‌ها و انطباق فعالیت‌های مردم با فضاهای شهری تأکید ورزیده‌اند.

۲- برخی دیگر، مدیران، سیاست‌گذاران و برنامه ریزان شهری را به راهکارهای اجرایی مانند انتقال امور فرهنگی از سالن‌های سرپوشیده به فضاهای باز شهری (فضاهای ایستا) دعوت نموده و معتقدند که در این صورت همه اقشار اجتماع قادر خواهند بود محصولات فرهنگی خود را در این فضاها و در تعامل با هم عرضه دارند.

۳- به اعتقاد دسته‌ای، توجه به آکس و محورهای اصلی شهری و نیز قطعی نمودن عناصر شاخص در شهرها نیز می‌تواند سبب توجه به ارزش‌های فرهنگی و ملی گردد. در این دیدگاه بر اینکه فضاهای فرهنگی و مذهبی شهرها به عنوان نقطه عطف آکس‌های اصلی در معرض دید ساکنانشان قرار گیرند تأکید گردیده است.

۴- بعضی، تقویت هویت بصری شهر را با افزودن تعداد نمادهای ویژه، که احساس مذهبی و ملی را در شهروندان افزایش دهد، خواستار گشته‌اند. از این منظر، در یک کشور اسلامی، روابط اجتماعی شهرنشینان بایستی بر پایه ارزش‌های دینی سامان یابد و چهره فیزیکی شهرها می‌تواند تقویت کننده‌ی هویت اسلامی آن‌ها باشد. در این میان، تعدادی از معماران و شهرسازان نیز ضرورت ارزیابی و ارزش‌گذاری مجدد ارزش‌ها را گوشزد نموده و معتقدند که چنانچه معماران راه‌های رفته شده، سنت‌های تثبیت شده، و ارزش‌های نهفته در آن سنت تقلید کند، آزادی خود را در فهم و گزینش ارزش‌ها نفی نموده است.

۵- عده‌ای بر نوآوری و جهانی شدن تأکید ورزیده‌اند.

۶- گروهی نیز بر حفظ هویت ملی - مذهبی و رعایت اصول معماری ایرانی - اسلامی نظیر توجه به مؤنست انسان با محیط فیزیکی و طبیعت، مردمی بودن فضاها و ایجاد نشاط معنوی در حین عفت و سادگی پافشاری و پیشنهاد نموده‌اند که بدین منظور آن دسته از طرح‌های معماری و شهری که با رعایت اصول ذکر

شده و نیز با توجه به حفظ ارزش های فرهنگی تهیه می شوند مورد تشویق دولت قرار گیرند.

بررسی نمادها، نشانه ها و هویت اسلامی در
معماری و شهرسازی ایران
حسین زه تابچی، محمد جواد قربانی فرد،
محمد علی نوائی

صص ۳۹-۴۷

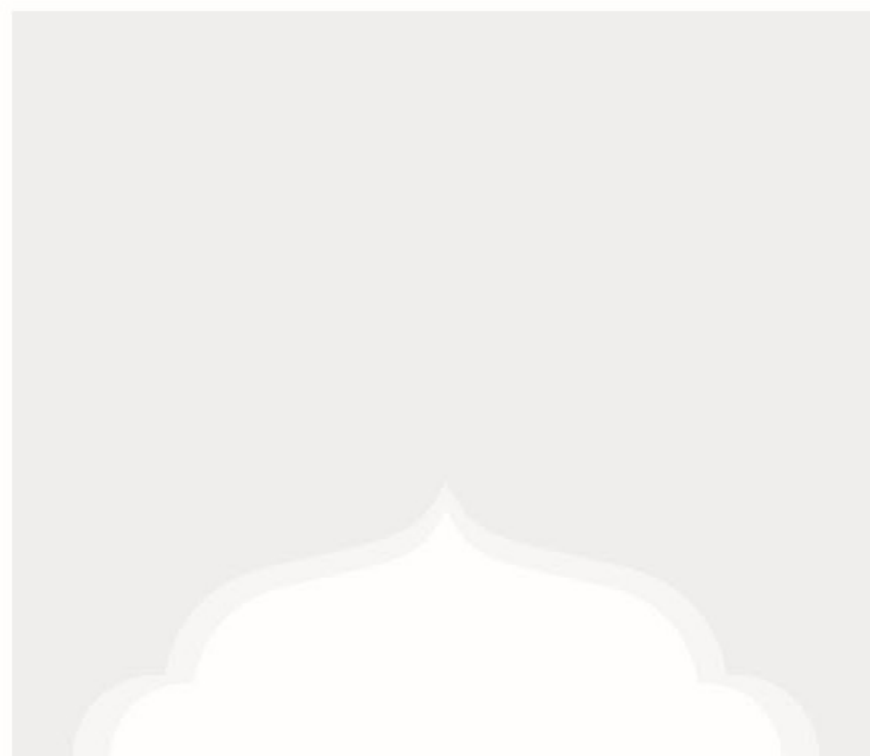
۸- نتیجه گیری

ما در این مقاله به این نتیجه رسیدیم که اگرچه شهرهایی که در آن ها حرمت، میثاق های اجتماعی، قانونی، امنیت، رفاه، صلح و سعادت، رشد و شکوفایی، صفا و پاکی و..... رعایت شده است. و به عبارت دیگر، در حالی که تغییر در فرهنگ و با الگوی رفتاری یک ملت به طور مستقیم یا در کوتاه مدت میسر نیست، می توان با استفاده از نشان های اسلامی، روحیه ی آنها را آرام و فعالیت های نامناسب را تحدید نمود.

برای فهم علم نشانه های در شهر، درک قواعد بازی نشانه ها الزامی است. شهر ساختاری است که دلالت کننده ها را به کار می گیرد و از این توجه خاص به چگونگی کاربرد دلالت کننده هاست، که علم نشانه شناسی شهر را ریزی می کند. زمانی که از شهر صحبت می شود، آن را و رای دیدن، سکونت و گشت و گذار درک می کنیم.

۹- منابع و مآخذ

- ۱- سجودی، فرزانه، (۱۳۸۳)، «نشانه شناسی کاربردی»، تهران نشر قصه.
 - ۲- مامفورد، لوییز، (۱۳۸۵)، «فرهنگ شهرها»، ترجمه عارف اقوامی مقدم، تهران، وزارت مسکن و شهرسازی، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
 - ۳- تقی زاده، محمد امین زاده، بهناز، «فضاهای کیفی، معماری و شهر»، فصلنامه فرهنگ، ش ۴ ص ۱۵۴.
 - ۴- صابری فر، رستم، (۱۳۸۵)، «نقش نمادها، الگوها و ساختار فیزیکی شهر در تعالی فرهنگی»، فصلنامه شهر، سال دوم، شماره ۶ و ۷: ص ۱۶۳
 - ۵- فلاملکی- منصور، (۱۳۷۴)، «فرهنگ و معماری»، نامه فرهنگی دانشگاه صنعتی شریف، چاپ چهارم، ص ۵
 - ۶- بیانیه پایانی گرد همایی، (۱۳۷۵)، «فرهنگ عمومی، معماری و شهرسازی»، شماره ۸ و ۹، ص ۸۸.
 - ۷- صالحی، اسماعیل، (۱۳۷۶)، «اهمیت فضاهای شهری راهبری کنش های فرهنگی و مشارکت مردمی»، ص ۱۹۳
 - ۸- کلاتری، ایرج، (۱۳۸۲)، «ادبیات معماری، ضعیف است.»
 - ۹- تولایی، نوین، (۱۳۷۱)، «فضاهای شهری و ارتباطات اجتماعی و فرهنگی، دانشگاه هنرهای زیبا»
 - ۱۰- دهخدا، علی اکبر، «فرهنگ لغت»، جلد ۲۸
 - ۱۱- امامی، سید جواد، (۱۳۷۵)، «معماری فرهنگ و معماری»، فصلنامه فرهنگ عمومی، ص ۱۴۶-۱۴۲
 - ۱۲- شوای، فرانسوا، شهرسازی، (۱۳۷۵)، «تخیلات و واقعیات»، ترجمه دکتر محسن حبیبی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ص ۷۴
 - ۱۳- مزینی، منوچهر، (۱۳۸۱)، «فرهنگ و زیبایی شناسی شهری»، شماره ۸ و ۹: ص ۸
- 14- chan dler, Daniel. (2007) semiot les: TheBasics, London. Rout Ledge.
- 15- Deely, john. (2003) The Impacton philospny of semiotics. south Bend. st. Augustine press.



روماتیک معماری ایرانی و اسلامی

فصلنامه پژوهش‌های مرمت و معماری ایرانی و اسلامی
Journal of Iranian and Islamic Architecture and Restoration Research

maremat-mag.ir

نشانی: کرج، آزادگان، ابتدای بلوار مطهری، کوچه شهید سبحانی، پلاک ۴۸، واحد ۴
تلفن: ۰۲۱۳۳۲۰۲۴۸۷
فکس: ۰۲۱۴۳۸۵۷۱۲۴